



# انترناسیونال ۴۰۳

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۳ خرداد ۱۳۹۰، ۳ ژوئن ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

## بار دیگر صدای کارگران ایران در کنفرانس سازمان جهانی کار

ستون اول



صبح امروز اول جون ۲۰۱۱ برای ششمین سال متوالی فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در اولین روز شروع کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار در ژنو در این کنفرانس حضور یافتند و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان و آزادی فوری کارگران زندانی در ایران شدند. صفحه ۳

## ندا با انقلاب باز میگردد

کاظم نیکخواه

۳۰ خرداد سالروز جان باختن نداست. ندا آقا سلطان دختر جوانی که بدست آدم کشان



منفور جمهوری اسلامی در روز ۳۰ خرداد ۸۸ به خاک افتاد اکنون نامی شناخته شده در سطح جهان است. او را بی اغراق میلیونها نفر می شناسند. عکس او را دیده اند. ویدیوی تکان دهنده لحظه مرگ او را نگاه کرده اند و گریسته اند. به او و آرزوهایش و مادر و خانواده اش و دنیایش فکر کرده اند و قاتلینش را از صمیم قلب محکوم کرده اند.

ندا پا به خیابان گذارد تا لحظات سقوط و به زیر کشیدن دیکتاتوری را که از آن عمیقاً نفرت داشت ببیند. پا به خیابان گذارد تا در انقلابی شریک شود که میرفت جامعه را از شر

بختک حکومت اسلامی خلاص کنند. او بی تردید شور و شوق و امید بسیاری در آن لحظات پیدا کرده بود. پایان یک دوره تاریک و مشقت بار و جهنمی را همچون میلیونها نفر از مردم دیگر، بسیار نزدیک میدید و افق زندگی تازه و شادی را روبروی خویش و کل جامعه میدید. او به همراه میلیونها نفر دیگر دختران و پسران، مردان و زنان در سنین مختلف، آینه‌ده را بسیار تابناک و شادی بخش میدیدند. زیرا پایان یکه تازی مافیای خون آشام اسلامی را نزدیک میدیدند. پایان سنگسار و قصاص و توهین و بی حرمتی هرروزه را میدیدند. پایان نا امنی و ترس دستگیری در خیابان و کارخانه و مدرسه و دانشگاه. پایان له شدن اعصاب با دیدن آخوندهای احمق و عقب

صفحه ۲

## دو بال رژیم در آرزوی مرگ هم

بهر روز مهرآبادی عمر کدام بیشتر خواهد بود؟ عمر طبیعی دولت احمدی نژاد یا عمر خامنه ای؟ ظاهراً در انتهای بن بست کشمکش قدرت در میان باند صفحه ۳

## میدان باستیل به تصرف معترضان اروپایی در آمد

آخرین خبرهای اعتراضات فرانسه و اسپانیا

در حالی که کمپ میدان خورشید در مادرید اسپانیا همچنان پایرجا مانده است، مردم پاریس، میدان باستیل این شهر را تصرف کردند. هرچند پنجشنبه و جمعه ی گذشته به رغم برگزاری تظاهرات متعدد علیه نشست صفحه ۶

## ادامه انقلاب یا انقلاب دوم در مصر

شهلا دانشفر  
مصر است. ۵ ماه پس از رفتن مبارک در اولین جمعه خشم، ۱۰ هزار نفر از مردم انقلابی خبرها حاکی از تجمع هزاران نفره مردم در میدان التحرير قاهره است. سخن از انقلاب دوم در صفحه ۲

## صفحات دیگر

نظارات در ۴۰ شهر در ۲۰ ژوئن در حمایت از زندانیان سیاسی، صفحه ۸

منصور اسانلو آزاد شد، صفحه ۱۲

کارگران سیمان درود خواهان برچیدن بساط پیمانکاران شدند

اعتصاب کارگران کارخانه ریسندگی کاشان ادامه دارد  
اعتصاب و تجمع کارگران ساسان در محوطه کارخانه  
صفحه ۱۲

اعتصاب کارگران پارس متال و اولتیماتوم به کارفرما  
صفحه ۷

## دختران فراری قربانیان حکومت آپارتاید جنسی اسلامی

صفحه ۱۱

### جمهوری اسلامی و جنگ حجاب

شهلا دانشفر، صفحه ۶

### جای طناب دار بر گردنشان از خاطر نمیرود

مصاحبه مینا احدی با مهوش عباسوندی در مورد اعدام

محمد و عبدالله فتاحی، صفحه ۹

### "سهام عدالت"، کلاهبرداری آشکار رژیم

بهر روز مهرآبادی، صفحه ۷

## بازتاب هفته

اخراج اضطراری وزیر دفاع جمهوری اسلامی از بولیوی

بهر روز مهرآبادی

محاكمه مبارک موضوع جنگ انقلاب و ضد انقلاب

بازگشایی "گذرگاه رفح" و پیامدهای آن!

محمد شکوهی

انسان زنده هیچ، مرده آن معادل ۱۰۰ شتر!

یاشار سهندی

صفحات ۵-۴

## ادامه انقلاب یا ... از صفحه ۱



مصر در میدان التحرییر گرد آمده و بر خلع ید از دولت نظامی حاکم، مبارزه با فساد، سکولاریسم و تامین امنیت عمومی و خواستههای اقتصادی شان پای میفشارند. مردم مبارک را با انقلابشان به زیر کشیدند، اما نظامش باقی ماند و آنچه امروز به آن انقلاب دوم اطلاق میشود، در واقع ادامه انقلابیست که در ژانویه امسال آغاز شد. مردم میگویند مبارک رفت، اما شورای عالی نیروهای مسلح و کسانی که امروز کشور را در دست دارند، ژنرالهای حسنی مبارک و ستون فقرات دیکتاتوری او از روز اول بوده اند. مبارک آنها را انتصاب کرده و اینها طی حاکمیت سی سال گذشته حامی اش بوده اند. کارگران مصری از عدم تحقق اساسی ترین مطالباتشان فقر و استثمار غیر قابل تحمل صحبت میکنند و روزی نیست که خبر اعتصاب و تحصن کارگران را در روزنامه مندرج نشود. بدین ترتیب ۵ ماه است که مبارک رفته است، اما در این مدت مصر آرام نبوده است و مردم خواستههایشان را پیگیری کرده اند. از جمله تلاش مردم برای برپایی تجمعات اعتراضی در میدان التحرییر و پیگیری خواستههایشان درگیری به کرات آنها با دولت نظامی حاکم، اعتراضات هر روزه کارگران در کارخانجات و در بخش های مختلف جامعه، تلاش کارگران و بخش های مختلف جامعه برای متشکل شدن و سربر آوردن اتحادیه های کارگری و دیگر اشکال سازمانیابی در زمینه های مختلف اجتماعی، تلاش برای برگزاری ۸ مارس در میدان التحرییر و درگیر شدن با جریانات مرتجع اسلامی، برگزاری اول مه هزاران نفره در میدان التحرییر با خواستههای رفاهی کارگران، گوشه هایی از مبارزات مردم مصر در تداوم انقلابشان در این مدت بوده است. در جریان این اعتراضات است که مردم همچنان بر خواستههای مبارک و آمرین و عاملین کشتار و سرکوب، بازگرداندن شدن اموال دزدی شده توسط مبارک و سران دولتش به جامعه و مبارزه با فساد در تمام

پرونده او در جریان است.

در جمعه ای که گذشت در ادامه این کشاکش ها هزاران نفر از جوانان و بخشهای مختلف مردم در میدان التحرییر جمع شدند و علیه دولت نظامی حاکم دست به اعتراض زدند. آنچه روشن است، مردم مصر هیچگاه خواهان این نبودند که ارتش مصر امور کار را بعد از مبارک بدست گیرد. این هراس از انقلاب و تبلیغات جانبدارانه رسانه ها مبنی بر دامن زدن به تبلیغات به نفع ارتش و حمایت آن از مردم و پشتیبانی غرب و آمریکا از چنین سناریویی بود که بر انقلابیون مصر تحمیل شد. اما مردم به این سناریو گردن نگذاشته اند و هنوز سه ماه از فرار حسنی مبارک نگذشته است، خیر از انقلاب دوم مردم مصر میرسد. بطور واقعی مردم با انقلابشان و با فراری دادن مبارک ضربه سنگینی بر دیکتاتوری مصر زدند، اکنون در ادامه راه و نشانه رفتن دولت نظامی حاکم میروند که کل این بساط فقر و فلاکت و این نابرابری را جارو کنند. اکنون با شروع دوباره تجمعات هزاران نفره مردم در میدان التحرییر، انقلاب مردم مصر جان تازه ای بخود گرفته است، اما همچنان مدیای بورژوازی اخبارش را تحت عنوان فشار مردم برای شتاب بخشیدن به "اصلاحات دمکراتیک" انعکاس میدهند. حزب ارتجاعی اخوان المسلمین نیز به تکاپو افتاده و با راه انداختن تبلیغات علیه معترضین و دروغ و افترا میکوشد فضا را مسموم کند و دانش از ایجاد شکاف میان مردم و ارتش بلند شده است. دولت حاکم نیز با احتیاط به این اعتراضات برخورد کرده و درجه ای از سرکوب و وعده و وعید را کنار هم به پیش میبرد.

اما تظاهر کنندگان در اجتماع ده ها هزار نفره خود در میدان التحرییر با پلاکاردهایی که بر رویش نوشته شده بود، انقلاب پایان نیافته است، پاسخ روشنی به همه این تشبثات دادند. تظاهر کنندگان در تجمع هزاران نفره خود در روز جمعه در میدان التحرییر خواهان سراسری شدن این اعتراضات شدند. انقلاب مصر برای نان، آزادی و کرامت انسانی بود و امروز متحد تر، متشکل تر راه خود را به جلو باز

## ندا با انقلاب باز میگردد...

مانده و کپک زده ای که هر لحظه انسانیت انسان را مورد تجاوز قرار میدهند. پایان سکنجه شدن و مورد تجاوز قرار گرفتن و خوار و خفیف شدن. و پایان فقر کشنده و نابود کننده. پایان حسرت کودکان و دیدن چپاولگری بیرحمانه مفتخوران. و آغاز بازگشت زندگی و شکفتن انسانیت و آزادی و زیبایی و شادی. او بی تردید همه این ها را میدید و شاد و امیدوار یا به خیابان گذارده بود و در کنار میلیونها انسان تشنه زندگی و آزادی، احساس دست یافتن به شروع تازه ای را داشت.

اما این دختر جوان و پرشور بدست لشکر مزدورهای خون آشام حاکم بر ایران به گلوله بسته شد و زندگی کوتاهش در برابر چشم همگان به نحوی فجیع به پایان رسید. امروز دو سال پس از پریر شدن ندا و صدها تن دیگر از جوانان تشنه آزادی، دو سال پس از آن خیزش عظیم و با شکوه، هنوز کابوسی که جامعه را اسیر کرده تمام نشده است. عاملین و آمرین قتل ندا و بسیاری دیگر از عزیزان مردم همچنان بر جامعه ایران سیطره دارند و علیه مردم عریبه کشی و جنایت میکنند. هنوز قاتلین ندا، سهراب اعرابی، اشکان سهرابی، قاتلین فرزند کمانگر و صدها تن دیگر از چهره های عزیز مردم به زیاله دان انداخته نشده اند. اما ندا با شور انقلاب و رهایی زنده است و زنده خواهد ماند. او را میتوان هر روز در مقابله جانانه زنان مردان این کشور با حاکمین دید. او را میشود در تظاهراتهای هزاران و صدها نفره دانشجویان، در

میکند. قطعا این انقلاب نیاز به این دارد که خواستههایش را روشن تر و دقیق تر فرموله کند و مردم انقلابی در ارگانهای توده ای خود متشکل

از صفحه ۱

اعتصابات کارگران برای نان و منزلت، در جنبشی که آشکارا زنده است و مترصد به زیر کشیدن حکومت اسلامی سرمایه داران است دید. و او را میتوان در تشنه صفوف مافیای حاکم یعنی همان قاتلین ندا و عزیزان دیگر که هرروز اوج میگردد، مشاهده کرد. هیچکس امروز نمیتواند فکر کند که این حکومت میتواند بر جامعه ای ملتپ و تشنه خلاصی سرپا بماند. هیچ حکومتی تنها با زور و سرکوب در برابر مردمی که اراده کرده اند آنرا با تمام قوانین و نهادها و سنتها و فرهنگ پوسیده اش به زیر بکشند سرپا نمانده است که این حکومت دومینش باشد. و همین عامل اساسی است که حاکمین را به جان هم می اندازد و از این نزاع درونی به نزاع تندتر بعدی میکشاند.

بی تردید ندا با خیزش مجدد انقلاب ما مردم دوباره قدرتمندتر باز میگردد. او بدون اغراق به چهره ای تاریخی و فراموش نشدنی تبدیل شده است. عکس و تصویر زیبای ندا، جهان را به یاد ایران و انقلاب انسانی و مدرن می اندازد. و روزی که تصویر او به عنوان سمبل جامعه مدرن و آزاد و انسانی بر سر در جامعه ایران نقش بندد دور نیست. یاد ندا و همه عزیزان جان باخته مان را در همه جا گرامی بداریم. حاکمین را آشکارا محکوم کنیم و خانواده و بستگان و دوستان ندا و همه عزیزانمان را با مهر و محبت میلیونی مان سرشار کنیم. این پاسخ ما به قاتلین است. \*

شوند. این مسیری است که دارد بتدریج در حین انقلاب پیموده میشود. زنده باد انقلاب مصر. \*

## تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

## تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 , 127 02 Skärholmen - Sweden

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

## کپی پوستری که در آی ال او به نمایش گذاشته شد



فرانسه در دفاع از کارگران زندانی در ایران برگزار میشود. همه مخالفین جمهوری اسلامی را به شرکت در این میتینگ اعتراضی فرامیخوانیم. آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت

انسانی  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۱ ژوئن ۲۰۱۱، ۱۱ خرداد ۱۳۹۰

نمایندگان اتحادیه ها نسخه های بیشتری از اطلاعیه را درخواست کردند تا در جلسات کمیته هائی که در طول روزهای کنفرانس برگزار میشود با اسناد به آن جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند. نمایندگان دیگری نیز شهادت سیاسی فعالین حزب را بخاطر حضور هرساله در کنفرانس و اعتراض به جمهوری اسلامی، مورد قدردانی قرار دادند و برای رابطه با این هیئت

برای بحث و گفتگو در مورد وضعیت و شرایط مبارزه کارگران در ایران اعلام آمادگی کردند.  
آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی، مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران  
۱ ژوئن ۲۰۱۱، ۱۱ خرداد ۱۳۹۰

هم مشکلی مشابه "رهبر" دارد و می توان گفت در طول سالهای اخیر سرنوشتشان به هم گره خورده است. او تا بحال خود را دستپوس و جان نثار رهبر معرفی کرده و نمی تواند بیش از این بعنوان یک مرید چموش، معرفی شود. بدون شك مرگ خامنه ای می تواند او را از وزنه سنگین "اطاعت از خامنه ای" که به پایش بسته شده، نجات دهد. صحبت های عبدالنسی نمازی نمی تواند بی اساس باشد که رحیم مشائی، نزدیکترین دستیار احمدی نژاد را به پایان یافتن عمر خامنه ای و جنتی تا دو سال دیگر برداشتن موانع ریاست جمهوری امیدوار نشان می دهد. همانگونه که اشاره شد آنچه که بیش از هر چیز طناب زندگی باند های رژیم را به هم گره زده است نگرانی و وحشت از این است که بالا گرفتن اختلافات فرصت دیگری برای مردم بوجود می آورد تا بار دیگر به خیابانها بریزند و بساط جمهوری اسلامی را جمع کنند. با وجود خشم و انزجار مردم از رژیم این طبیعی ترین واقعه ای است که می تواند اتفاق بیفتد. محاکمه خامنه ای و احمدی نژاد و دستیارانشان بخاطر بیش از ۳۱ سال جنایت و غارتگری بیش از "مرگ طبیعی" آنها آرزوی مردم است.\*

پوسترهای کارگران زندانی در ایران را میان نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس پخش کردند.

حضور هرساله حزب کمونیست کارگری در کنفرانس سازمان جهانی کار موفقیتی برای کارگران و مردم ایران و حزب سیاسی آنها و خاری در چشم جمهوری اسلامی و نمایندگان شورای اسلامی است که در همان روز اول کنفرانس آنها را در حضور هزاران شرکت کننده در کنفرانس بعنوان زندانبانان فعالین کارگری معرفی میکنند.

یادآوری میکنیم که روز ۹ جون نیز تظاهراتی مقابل سازمان جهانی کار توسط تعدادی از سازمان های کارگری

## انعکاس اعتراض فعالین حزب بر سخنرانی رئیس سازمان جهانی کار

کادری حزب، پاسکال دکامپ، موفق به حضور در سالن شد و ۱۵۰ نسخه از اطلاعیه ای تحت عنوان "قاتلین و سرکوبگران کارگران ایران باید از آی ال او اخراج شوند" را میان نمایندگان اتحادیه های کارگری حاضر در صدمین کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار توزیع کرد. این اطلاعیه مورد استقبال نمایندگان قرار گرفت و تعدادی از

که در جریان کنار گذاشتن وزیر اطلاعات، به حربه استعفا و پاره کردن طناب، متوسل شد و خامنه ای را وادار به سکوت در مقابل تصرف وزارت نفت نمود. و بر اساس صحبت های باهنر او به تهیب خامنه ای که در مورد ادغام وزارتخانه ها او را به اطاعت از شورای نگهبان فراخوانده بود، هم اعتنائی نکرد.

اصولگرایان سعی می کنند با استفاده از ابزار مجلس و قوه قضائیه و قدرت خامنه ای دست و پای باند احمدی نژاد را ببندند. فعلا پرونده پرداخت "سود سهام عدالت" و غیر قانونی بودن اداره وزارت نفت توسط رئیس جمهور و موارد مختلف سوء استفاده های مالی آنها را مطرح کرده و تهدید کرده اند که موضوع تخلفات احمدی نژاد را به قوه قضائیه ارجاع خواهند کرد. مبنای اصلی دعواها یعنی در اختیار گرفتن منابع مالی را عبدالنسی نمازی امام جمعه کاشان و عضو مجلس خبرگان بخشی بیان می کند. بر اساس گفته های او رئیس دفتر احمدی نژاد ریاست کمیسیون فرهنگی را بخود اختصاص داده و تمام بودجه های فرهنگی را در دست دارد. نمازی همچنین به تصرف کارخانه ایران خودرو با سرمایه میلیاردی تومان، سرمایه گذاری ۴۰۰ میلیاردی در

## بار دیگر صدای کارگران ایران در ... از صفحه ۱

جهانی کار اخراج کنید! مرگ بر جمهوری اسلامی! کارگران زندانی باید فوراً آزاد شوند! سومایا سخنرانی خود را قطع کرد و شعارهای بهرام سروش از پشت میکروفون کل سالن را تحت تاثیر قرار داد. دقایقی بعد ماموران بهرام سروش را به بیرون سالن بردند. بهرام سروش خواهان صحبت با یکی از مقامات آی ال او شد و به او گفت فعالین کارگری در ایران زندانند و کسانی که آنها را زندانی کرده اند در کنفرانس سازمان جهانی کار حضور دارند و این برای این سازمان شرم آور است. همزمان تیم دیگری از حزب

گفت که سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی مشکل دارد. تیم حزب کمونیست کارگری در سازمان جهانی کار، با نشان دادن و پخش پوستر حاوی تصاویر فعالین کارگری زندانی در ایران، خواهان آزادی آنها و اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شده بود.

عصر امروز نیز یکی دیگر از

پشت تریبون قرار گرفتند تا صدای اعتراض کارگران و مردم ایران را به حضور نمایندگان حکومت جنایتکار اسلامی اعلام کنند. امسال سدهای امنیتی را بسیار بیشتر کرده کردند. علیرغم این تیمی از فعالین حزب کمونیست کارگری وارد سالن شدند. بهرام سروش در حالیکه پوستر بزرگی از کارگران زندانی در ایران را در دست داشت، در کنار سومایا رئیس سازمان جهانی کار که پشت تریبون اصلی مشغول سخنرانی بود قرار گرفت و شروع به شعار دادن به زبان انگلیسی کرد: جمهوری اسلامی را از سازمان

طبق گزارش تیم حزب کمونیست کارگری از ژنو، صبح امروز بدنیاال شعارهای بهرام سروش علیه جمهوری اسلامی در سالن کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، سومایا رئیس این سازمان که صحبت هایش برای دقایقی قطع شده بود، در ادامه صحبت هایش به ایران اشاره کرد و ضمن نشان دادن سمپاتی به اعتراض بهرام سروش

## دو بال رژیم در آرزوی ...

از صفحه ۱

ایجاد کند. بطور کلی اینکار شکست سختی برای خامنه ای در مقابل سایر باند های داخل رژیم از جمله رفسنجانی، حزب موتلفه اسلامی است. هر چند که آنها در مورد این دعوا سکوت کرده اند، ولی طبیعی است که به موقع خود از آن بصورت حربه ای در مقابل خامنه ای استفاده کنند. و مهتر اینکه تنشهای ناشی از این اقدام میتواند فرجه ای برای خیز سرنوینی جامعه باز کند. "ولی فقیه" اعتبار خود در درون نظام را در گرو حمایت از احمدی نژاد گذاشت. برداشتن احمدی نژاد چیزی از این اعتبار باقی نمی گذارد. ولی مشکل رهبر این است که دار و دسته احمدی نژاد هم مشغول زدن زیرآب "ولی فقیه" هستند. با توجه به این مسئله منظور باهنر را می توان دریافت وقتی از علاقه "رهبر" به پایان یافتن عمر دولت دهم به "صورت طبیعی" و ادامه کار آن در "آرامش"، صحبت می کند. حتی استعفای احمدی نژاد هم می تواند لطمه شدیدی به خامنه ای بزند. احمدی نژاد هر چند به بلاهت مشهور است اما بطور غریزی دریافته است که به همراه "رهبر" به يك طناب آویزانند، تا جایی

برداشت ما این است که "آقا" حاضر است که خیلی هزینه ها داده شود و دولت دهم کارش را پایان دهد ولی دیدیم که آقا حاضرند اتفاق غیر معمولی نیفتد و باز هم علاقمند هستند که این دولت تا پایان دوره قانونی کارش را با آرامش ادامه دهد و به "صورت طبیعی" عمر دولت دهم به پایان برسد. او در مصاحبه دیگری در اواخر فروردین گفت: "ما تلاش می کنیم از همه ابزار نظارتی بهره بگیریم و به استیضاح و عدم کفایت از رئیس جمهوری نسیم". اما جناح احمدی نژاد هم همین محاسبه را دارد. امام جمعه کاشان این روزها فاش کرد که مشایبی در جایی گفته است "دو سال دیگر ولی فقیه و جنتی نیستند که بخواهند جلوی کاندید شدن مرا بگیرند" هر دو منتظر مرگ دیگری به شیوه طبیعی و آرام هستند! از نظر سیاسی کنار گذاشتن احمدی نژاد "هزینه سنگینی برای رژیم دارد. کنار گذاشتن کسی که تا چند ماه قبل او را "معجزه هزاره سوم" خطاب می کردند، باعث آبروریزی بیشتر برای کل نظام خواهد شد. اولین خطرش اینست که تنشهای ناشی از آن میتواند دوباره فرجه ای برای مردم سرنوینی طلب



## بازتاب هفته

### اخراج اضطراری وزیر دفاع جمهوری اسلامی از بولیوی



بهروز مهر آبادی

دولت بولیوی روز سه شنبه به سرتیپ پاسدار احمد وحیدی وزیر دفاع جمهوری اسلامی دستور داد از این کشور بیرون برود. او و همراهانش تنها چند ساعت بعد از ورود ناچار به ترک بولیوی شدند. بعد از دعوت وزیر دفاع بولیوی از احمد وحیدی و سفر او به بولیوی، دولت آرژانتین در نامه ای به حضور یک تروریست تحت تعقیب پلیس بین الملل به بولیوی شدیداً اعتراض کرد و خواهان دستگیری و تحویل او به دولت آرژانتین برای محاکمه او شد. حکم بازداشت احمد وحیدی و چند نفر دیگر از سران جمهوری اسلامی بخاطر دست داشتن در انفجار مرکز یهودیان در بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین در تابستان ۱۹۹۴ از طرف دادستان آرژانتین صادر شده است. در زمان این اقدام تروریستی احمد وحیدی فرمانده سپاه قدس، هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور، علی فلاحیان وزیر اطلاعات، علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه و محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران رژیم بودند که حکم جلب همگی آنها توسط پلیس بین الملل صادر شده و از ۱۸۶ کشور عضو خود درخواست دستگیری آنها را کرده است. به همین دلیل سفرهای این اشخاص به خارج از ایران بندرت و آنها با پیش بینی های لازم و با مصونیت دیپلماتیک، امکان پذیر است.

در اوایل سال جاری مقامات آرژانتین بر باز بودن پرونده تروریستی سران جمهوری اسلامی و تحت تعقیب بودن آنها، تاکید کردند. در انفجار یک خودرو حامل بمب در تابستان ۹۴ در نزدیکی یک مرکز یهودیان، ۸۵ نفر کشته و ۲۰۰ نفر زخمی شدند. مدارک و شواهد جمع

آوری شده نشان داد که جمهوری اسلامی در تدارک و انجام این کشتار نقش داشته است. در اکتبر ۲۰۰۶ حکم بازداشت چند نفر از دست اندرکاران جمهوری اسلامی صادر شد. مدارک مقامات آرژانتین مورد تایید پلیس بین الملل هم قرار گرفت و حکم جلب بین المللی آنها صادر شد. در زمان انجام ترور احمد وحیدی فرمانده سپاه قدس بود که در آن زمان سازماندهی عملیات تروریستی در خارج از کشور را به عهده داشت. او از فرماندهان ارشد سپاه و از موسسان و گردانندگان وزارت اطلاعات بوده است و نقش مهمی در سرکوب ها و جنایات جمهوری اسلامی دارد. تلاشهای رژیم برای تطمیع مقامات آرژانتین و مسکوت گذاشتن این پرونده به جایی نرسید و در اوایل سال جاری مقامات آرژانتین مجدداً بر باز بودن پرونده تروریستی سران جمهوری اسلامی و تحت تعقیب بودن آنها، تاکید کردند.

در واکنش به اعتراض دولت آرژانتین وزیر خارجه بولیوی در نامه ای به وزیر خارجه آرژانتین از دعوت وحیدی، "عمیقاً عذرخواهی" کرد و آن را یک "وضعیت اسفناک" و "حادثه ناگوار" نامید و بخاطر آن پوزش خواست. او در نامه اش نوشت که وزیر دفاع بولیوی بدون اطلاع سایر همکاران خود از وحیدی دعوت کرده و از سابقه او بی اطلاع بوده است. وزیر خارجه بولیوی تاکید کرد که دولت بولیوی اقدامات لازم را برای اینکه احمد وحیدی هر چه زودتر خاك بولیوی را ترک کند، انجام داده است.

دولت بولیوی با جمهوری اسلامی تا کنون روابط گرم و نزدیکی داشته است. سران هر دو رژیم بارها با هم ملاقات داشته اند و همکاری های سیاسی و اقتصادی با هم دارند. واکنش دولت بولیوی و اخراج تحقیرآمیز "ژنرال احمد وحیدی" را نمی توان فقط بخاطر اعتراض دولت آرژانتین دانست، در این صورت قضیه می توانست بطور مخفیانه و مثلاً با اعلام ندانم کاری منشی وزیر دفاع که نام "احمد وحیدی" را در لیست مهمانان گذاشته، تمام شود. بدون شك

"وضعیت اسفناک" جمهوری اسلامی در سطح بین المللی دلیل اصلی این سیاست بوده است. شکاف عمیق در داخل رژیم، افشا شدن جنایات رژیم در سطح بین المللی رژیم را بیش از هر زمانی در مجامع جهانی منزوی کرده است. سفر مینا احدی و پتی دوینیتاس از کمیته بین المللی علیه اعدام به برزیل، که مرزهای طولانی با بولیوی دارد، به شناساندن بیشتر چهره منفور و کثیف جمهوری و افشای جنایات آن به مردم آمریکای جنوبی کمک کرد. پیش از آن کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی از سنگسار در کشورهای آمریکایی انعکاس گسترده ای یافته بود. کمتر دولتی تمایل دارد با یک رژیم آبرو باخته و در حال تلاشی تداعی شود و بی آبرویی دائمی را برای خود بخرد، مگر اینکه خود را در وضعیتی مشابه جمهوری اسلامی بداند.\*

### محاکمه مبارک موضوع جنگ انقلاب و ضد انقلاب

#### محمد شکوهی

بعد از سرنگونی رژیم مبارک در ماه فوریه امسال، موضوع دستگیری و محاکمه سران دولت مبارک که نقش اصلی در سرکوب انقلاب مردم مصر داشتند، تبدیل به یک خواست مردم انقلابی و نیروهای مدافع انقلاب مصر شد. در این میان "شورای عالی نظامی مصر" که از اوایل مارس قدرت را در این کشور در دست گرفت و وعده هایی برای اصلاح قانون اساسی داد، موضوع دستگیری و محاکمه مبارک و اعضای اصلی دولتش را عمداً از دستور خارج ساخت. توجیه و بهانه این اقدام حاکمان جدید، مریضی مبارک و تلاش برای آشتی ملی "اعلام شد. در واکنش به این عمل مردم و نیروهای انقلاب دوباره به میدان تحریر قاهره برگشته و تاکید کردند که مبارک و سران دولتش باید به خاطر سه دهه سرکوب و جنایت بر علیه مردم دستگیر و محاکمه شوند. در بیانیه ای که در اواسط ماه مارس امسال در تجمع دهها هزار نفری در میدان تحریر به تصویب رسید، مردم خواهان محاکمه فوری مبارک و اعضای ارشد دولت پلیسی و نظا می او که نقش اصلی در سرکوب ها را داشتند، شده و تاکید کردند تا عملی شدن این

خواست میدان تحریر را ترك نخواهند کرد. حاکمان جدید در هراس از تداوم انقلاب مردم و برای آرام ساختن آنها، با صدور بیانیه ای رسمی اعلام کردند که مبارک دستگیر و در آینده ای نزدیک محاکمه خواهد شد. اما هدف اصلی آنها دور کردن مردم و معترضان از میدان تحریر و خیابانها بود. اما این تاکتیک دولت لو رفت و مردم متوجه شدند که دولت در صدد ماستمالی کردن این خواست اصلی آنها است. در واکنش به این سیاست دولت نظامیان، مردم انقلابی و بویژه جوانان، ادامه تظاهرات های سراسری بر علیه حاکمان جدید را فراخواندند. مردم در بیانیه ای با عنوان برای انقلاب دوم به میدان تحریر می رویم، به دولت نظامیان یک هفته فرصت دادند که مبارک و اعضای دستگاههای امنیتی و نظامی ا که در سرکوب انقلاب مردم دست داشتند، را دستگیر و محاکمه نماید. با ادامه اعتراضات صدها هزار نفری بالاخره دولت نظامیان مجبور به عقب نشینی شد و مبارک را برای محاکمه به دادگاه برد. در این مرحله هم نظامیان دوباره تاکتیک وقت خریدن را در پیش گرفتند ولی مردم دست از این مطالبه برحق خود نکشیدند و میدان تحریر را ترك نکردند. تا اینکه بالاخره دولت رسماً اعلام کرد که مبارک و اعضای دولتش دستگیر شده و در انتظار محاکمه هستند. دو هفته پیش دولت اعلام کرد که وزیر کشور و دو تن از پسران مبارک به همراه ۱۴ مقام دولت مبارک در مرحله اول محاکمات به پرداخت جرایم نقدی به اتهام "فساد مالی" محکوم شده اند و خود مبارک به دلیل مریضی فعلاً تحت نظر پزشکان بوده و بعداً دادگاهی خواهد شد.

با اعلام این خبر هزاران تن از مردم با برپایی تجمعات خودجوش در برابر دیوان عالی مصر، وزارت کشور و محل ساختمان دولت دست به تظاهراتهای گسترده زده و خواهان محاکمه فوری مبارک به جرم سرکوب و جنایت و کشتار مردم مصر در جریان انقلاب شدند. در طی روزهای اخیر این اعتراضات ادامه داشته تا اینکه دولت نظامیان مجبور گردید با صدور بیانیه ای رسمی اعلام نماید که مبارک محاکمه خواهد شد. در متن

حکم دادستانی کل مصر در باره مبارک آمده است: "محاکمه مبارک رئیس جمهور سابق مصر و دو پسر او به اتهام قتل عام حداقل ۸۴۰ تن از معترضان حکومتی در شورشهای گسترده ژانویه و فوریه امسال و همچنین فساد مالی، از دوازدهم مرداد ماه امسال آغاز خواهد شد." با اعلام این خبر مردم ضمن خوشحالی تاکید کردند که خواهان حضور ناظران بین المللی و بی طرف در دادگاه بوده و خواهان محاکمه همه مقامات بلند پایه دولت سابق و فرماندهان نظامی، بویژه رئیس پلیس و اطلاعات و امنیت و رئیس زندانها بوده و به اعتراضات خود برای دستیابی به این خواستها ادامه خواهند. مردم یک بار دیگر حاکمان جدید مصر را مجبور کردند به یک خواست مهم آنها، یعنی محاکمه مبارک و سران دولت به جرم کشتار و سرکوب انقلاب مردم تن دهند. در عین حال به حاکمان نشان دادند که انقلاب مردم هنوز در اشکال دیگر ادامه دارد و حاکمان جدید سودای خاتمه انقلاب را باید فراموش کنند. محاکمه مبارک و حکمی که صادر خواهد شد، در اصل محاکمه کل نظام و سیستمی خواهد بود که ماشین پلیسی و جنایت در بیش از سه دهه گذشته بر کرده مردم حاکم کرده است. بدون شك دوباره سنگ اندازی و تلاش برای رفع اتهام کشتار مردم از مقامات سابق دولت ادامه خواهد داشت. اما از نظر سمبولیک نفس اینکه دیکتاتور سرنگون شده با اصرار و پافشاری مردم به دادگاه برده و محاکمه خواهد شد، خود گویای زور و فشار اعتراض مردم و انقلاب است که هنوز در صحنه است و هنوز می تواند مردم را برای رسیدن به بقیه خواسته های آنها سازمان داده و به میدان آورد. زور آزمایشی انقلاب و ضد انقلاب در مصر وارد مراحل حساس و تعیین کننده ای شده است. حاکمان جدید مدتهاست که اعلام کرده اند انقلاب تمام شده و مردم باید سر کار و زندگی شان برگردند. اما بخش هایی از مردم و نیروهای انقلاب هم خواهان ادامه انقلاب و تغییرات اساسی در کل سیستم حکومت و دخالت دادن مردم در همه امور جامعه هستند. این جدال ادامه خواهد داشت.

**اساس سوسیالیسم انسان است!**

## بازتاب هفته

### بازگشایی "گذرگاه رفح" و پیامدهای آن!



محمد شکوهی

در هفته ای که گذشت دولت جدید مصر اعلام کرد که "گذرگاه رفح" را برای همیشه باز می کند. گذرگاه رفح از سال ۲۰۰۷ که حماس قدرت را در نوار غزه و کرانه باختری رود اردن بدست گرفت از طرف اسرائیل و مصر رسماً و به دلیل یا بهانه "قاچاق اسلحه" و ورود تروریستهای اسلامی وابسته به حماس و جریانات اسلامی برای انجام عملیات نظامی بر علیه اسرائیل، مسدود شده بود. بستن گذرگاه رفح بخشی از توافقات صلح بین اسرائیل و مصر در زمان مبارک بود که برای "مهار و جلوگیری از گسترش عملیات تروریستی"، صورت گرفت. با به اجرا گذاشتن این توافقنامه، صدها هزارتن از مردم نوار غزه قربانی آن شده و زندگی آنها به مراتب دشوارتر گردید. نوار غزه تبدیل به یک زندان نسبتاً بزرگ شد و دولت اسرائیل با اقدامات سخت گیرانه و وضع قوانین و مقررات رفت و آمد، زندگی مردم را برپویه از نظر اقتصادی با مشکلات جدی روبرو کرد. راههای ارتباط نوار غزه با جهان خارج قطع شد و هزاران فلسطینی که برای کار به مصر یا اسرائیل می رفتند، مشمول تحریم های دو دولت مصر و اسرائیل شدند. با وجود مخالفت سازمان ملل و اعتراضات نهادهای بین المللی دفاع از حقوق بشر، دولت های اسرائیل و مصر با حمایت آمریکا بر بستن گذرگاه رفح و راه های ارتباطی نوار غزه، ادامه دادند. بازگشایی رفح می تواند تحول مهمی در روابط دولت جدید مصر با فلسطین و ارتباطش با جریانات مختلف فلسطینی و همچنین مذاکرات صلح اسرائیل و مصر برای بازگشت امنیت به این منطقه بحرانی باشد. در هفته های اخیر و به دنبال اعلام تصمیم دولت مصر به بازگشایی این گذرگاه، تنش در روابط اسرائیل و مصر دوباره بالا گرفته است. دولت جدید مصر در هفته اخیر موفق شد "طرح آشتی ملی" گروههای فلسطینی را عملی ساخته و با این سیاست خود ظاهراً به طرف اسرائیلی اطمینان دهد که بازگشایی

رفح تأثیری در روند و ادامه مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطینیان نداشته و دولت جدید مصر به همه تعهداتش در باره صلح با اسرائیل پایبند است. دولت مصر همچنین اعلام کرد برای جلوگیری از قاچاق اسلحه به منطقه اقدامات جدی خواهد کرد. در این میان اسرائیل تلاش های دولت جدید مصر را گامی در جهت "اینترگره کردن تروریستهای حماس" در روند مذاکرات صلح دانسته. به عقیده اسرائیل با سرنگونی مبارک، کل روند صلح و مذاکرات خاورمیانه به خطر افتاده است. صرف نظر از اینکه در آینده دولت های اسرائیل و مصر در موضوع بحران فلسطین چه سیاستی داشته باشند، بازگشایی گذرگاه رفح تحولی است که کل مذاکرات صلح و بخش نوع روابط دولتهای دوطرف و موضوع روند مذاکرات را تحت تأثیر جدی قرار خواهد داد. در تحولی دیگر موضوع پیگیری مذاکرات صلح نیز وارد مرحله جدیدی شده است. اوایما اعلام کرده که از بازگشایی رفح استقبال کرده و بر ضرورت ادامه مذاکرات صلح اسرائیل و اعراب تأکید کرده است. آمریکا اعلام کرده که بازگشت اسرائیل به مرزهای قبل از سال ۱۹۶۷ و تعهدش به اجرای قطعنامه های سازمان ملل در خصوص صلح در منطقه، می تواند مبنای خوبی برای از سرگیری روند مذاکرات صلح باشد و به شکل گیری دولت فلسطین و برقراری امنیت در منطقه کمک بکند. اسرائیل با این موضوع مخالفت کرده و ناتانیاهو هفته گذشته اعلام کرد که اسرائیل هیچگاه به مرزهای قبل از سال ۶۷ بر نخواهد گشت. فاکتور اساسی در این رابطه انقلاب های مردم در کشورهای منطقه می باشد که تأثیرات زیادی بر روند مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل و شکل گیری ارایش جدید سیاسی در منطقه به دنبال داشته و خواهد داشت. در همین راستا و با ادامه و تعمیق این انقلاب ها، دولت اسرائیل هم احساس خطر بیشتری می کند چون برقراری امنیت، توقف جنگ و پایان دادن سلطه مذهب به زندگی مردم منطقه و همچنین دفاع از حقوق فلسطینی ها از خواست های این انقلاب ها است. با بازگشایی رفح، طرح آشتی ملی فلسطینیها و موضع جدید مصر به عنوان یک پای اصلی روند مذاکرات صلح، دچار تحولات زیادی شده که می

تواند کل اوضاع و روندهای مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطینیان را دچار دگرگونیهای جدی بکند.\*

### انسان زنده هیچ، مرده آن معادل ۱۰۰ شتر!

یاشار سهندی

آخوند مرتجع و وحشی به نام اژه ای که تخصص ایشان در هنگام بازجویی گاز گرفتن زندانی است به عنوان دادستان (!) کل کشور اعلام کرد "بهای دیه" امسال معادل ۹۰ میلیون تومان است. قضیه اینست که کارشناسان خبره قوه قضائیه چرتکه انداختند و گفتند هر شتر که خیلی هم لاغر نباشد (!) معادل ۹۰۰ هزار تومان قیمت دارد ۱۰۰ تا شتر که بنا به قانون قضائی جمهوری اسلامی معادل جان یک انسان است میشود ۹۰ میلیون تومان! ۱۰۰ تا شتر را چه کسی مبنای جان انسانها قرار داده است؟ "شارع مقدس". شرع انور برای اینکه مبادا مردم دچار سردرگمی شوند البته انتخابهای زیادی پیش روی مردم گذاشته است: ۱۰۰۰ گوسفند، ۲۰۰ گاو، ۱۰۰ شتر، ۲۰۰ دست پارچه حله یمنی، ۱۰۰۰ دینار طلا، یا ۱۰۰۰۰ درهم نقره معادل جان یک انسان است. ایشان فکر همه جا را کرده اند. تصورش را بکنید در قطب جنوب از کجا شتر و پارچه حله یمنی میشود پیدا کرد؟ شاید بشود طلا را یافت! دستگاه قضائی حکومت اسلامی به پیروی از امر الهی راه را برای چپاول مردم باز دیده است. شرکت های بیمه بیشترین سود را از بابت این ۱۰۰ تا شتر میبرند. چون مردم را مجبور کردند که اتومبیل ها حتماً باید بیمه شخص ثالث داشته باشند و گر نه ماشین را راهنمایی و رانندگی می خواباند و کلی جریمه هم در نظر گرفته شده است تا همه آنها بی که وسیله نقلیه دارند این پول را بپردازند (توجه داشته باشید که تمام شرکتهای بیمه در ایران وابسته به حکومت هستند حالا چه مستقیم یا غیر مستقیم) بابت پول بیمه هر سال کارشناسان قوه قضائیه زحمت میکنند و قیمت شتر را به روز میکنند تا مشکلی شرعی پیش نیاید. در صورت وقوع حادثه تا زمانی که خسارت به طرف مقابل پرداخت شود زمان زیادی طول میکشد (یک تا دو سال این پروسه طی میشود) قانون مقدس فکر اینجایش را هم کرده و فرموده دیه باید "یوم الادا" باشد یعنی اینکه زمان پرداخت مبنای محاسبه پول است نه "یوم الحادثه". با بالا رفتن دیه عملاً همه کسانی که استطاعت پرداخت این پول را نداشتند وبه زندان

افتادند باید بیشتر در زندان بمانند چون قیمت شتر رفته بالا! رئیس راهنمایی و رانندگی میگوید این قانون خوب است چون نقش بازدارندگی دارد و چون مردم سعی میکنند کمتر تصادف کنند! گویی همه کسانی که پشت فرمان نشستند قصد و نیت شان تصادف کردن و کشتن عابری است! يك آقایی که وکیل است و اسم و رسمی هم دارد به نام "نعمت احمدی" فرمودند: "افزایش میزان دیه لازم بود برای این که در بسیاری موارد میزان قبلی دیه تکافوی خسارت زخمی شدگان را نمی دهد و اولیای دم هم خواهان افزایش دیه بودند" شرکتهای بیمه صدایشان در آمده که این قانون بسیار بد و بی موقع است و معتقدند قیمت شتر در خوزستان ۵۰۰ هزار تومان است (گویا قوه قضائیه میانگین گرفته است! قیمت شتر در آذربایجان دو و نیم میلیون تومان است) محمد جواد فرشلاف ماهریان رییس کل بیمه مرکزی می گوید "ما پیگیری می کنیم تا این اتفاق رخ ندهد چون دلیلی برای افزایش نرخ دیه وجود ندارد." اما ظاهراً این قانون به نفع شرکت بیمه است پس چرا با آن مخالفت میکنند؟ نگرانی از اینجاست که مردم دیگر اصلاً قید بیمه را بزنند و حاضر نباشند ماشین خود را بیمه کنند علیرغم اجباری بودن این بیمه. (هم اکنون نزدیک ۱۱ هزار نفر بخاطر تصادف و بیمه نبودن ماشین و عدم توان پرداخت دیه در زندان هستند) نماینده ای از مجلس در مخالفت با قانون جدید میگوید این قانون برای دولت هزینه دارد چرا که اگر وسیله نقلیه فاقد بیمه باشد دولت باید از صندوق خسارتهای بدنی "خسارت وارده را بپردازد (دولت از این کارها، بعید می نماید! آمار بالای زندانیان گویای این امر است) و نیز با توجه به حذف یارانه این فشار مضاعفی بر مردم است به گفته وی: "با افزایش شدید مبلغ دیه و جو روانی ناشی از آن، احتمال افزایش غیرقانونی قیمت سایر کالاها و خدمات (ولو آن که به طول مستقیم با دیه مرتبط نباشد) افزایش خواهد یافت؛ بروز این وضعیت در شرایطی که کشور در ماه های آغازین اجرای طرح عظیم و ملی هدفمند کردن یارانه ها است، می تواند موجب ایجاد اختلال اساسی در اجرای قانون هدفمندی یارانه ها شود." احمدی نژاد گفته نباید این قانون اجرا شود! مسئله البته حمایت از مردم نبوده بلکه حالگیری از برادران لاریجانی در میان بوده. تا بالاخره رئیس قوه قضائیه در پی اعتراضات و واکنش هایی که علیه

دیه ۹۰ میلیونی براه افتاد آنرا لغو کرد.

"دیه" مانند همه قوانین اسلامی که در این مملکت جاری شده است مبنای آن تحقیر کردن مردم است و رفع مسئولیت حکومت از حمایت مردم در هنگام حادثه و سختی و تنگ دستی است. جان انسانها با جان حیوانات یکی شمرده میشود بی جهت نیست که جمهوری اسلامی به راحتی و به خشن ترین شکل ممکن جان انسانها را میگیرد، "ذبح اسلامی" شتر یکی از خشونت بارترین روشهای کشتن يك حیوان است. در اینجا هم مانند قانون قصاص دو خانواده را به جان هم می اندازد و خود را کنار میکشد. یکی که دردمند است صاحب حق میدانند و خود را پشت صاحب حق پنهان میکنند تا هر جور میتوانند دیه را بگیرند. اما به واقع باید در همچنین مواقعی باید دولت پا پیش بگذارد و از هر دو طرف حادثه حمایت کند. تصادف رانندگی همانطور که از نامش پیداست يك امر تصادفی است نه عمدی اما در ایران دولت با بی توجهی به استانداردها جاده ها و خیابانها عملاً زمینه تصادفات را بشدت بالا برده است. علاوه بر آن ایمن نبودن اتومبیل های ساخت داخل ایران و یا وارد کردن وسایل نقلیه ای که از استانداردهای پایینی برخوردار هستند در بالا بودن آمار تصادف در ایران نقش مهمی دارند. در واقع قاتل خود دولت است. حکومت این مسائل را اصلاً مسئله خودش نمی داند که بخواید آنرا حل کند. و بعد برای اینکه از خود به طور کامل رفع مسئولیت کرده باشد و مردم را هم هیچ شمرده باشد قوانین اسلامی مانند دیه را جاری کرده است که در آن شتر مبنای جان انسانها است. در ایران وسیله اتومبیل برای بخش کثیری از مردم "وسيله نان در آوردن است" وقتی که چنین مشکلاتی پیش می آید عملاً يك خانواده از هستی و نیستی ساقط میشود. این بهیچوجه مساله این دولت نیست. برعکس هر دم نقشه میکشند که چگونه دمار از مردم دریاورند، دیه هم يك گوشه دیگر از قوانین ضد بشری این حکومت ضد انسانی است. جان انسان در این حکومت به اندازه يك شتر نیست چون هر چه به مخیله بیمارشان میرسد برای انسانهای زنده نقشه های شوم میکشند فقط وقتی يك نفر میمرد آنوقت مرده او معادل ۱۰۰ تا شتر میشود. برای رهایی از این قوانین به غایت کثیف چاره ای جز سرنگونی این حکومت نیست.\*



نیز کنسولگری فرانسه در بارسلون برگزار شد تا اسپانیایی ها از شورشیان پارسی حمایت کرده باشند.

### سرکوب در بارسلون، دسته های گل در مادرید

جمعه، ۲۷ ماه می ساعت ۹ صبح پلیس بارسلون به میدان کاتالونیا، میدان اصلی این شهر که در تصرف کمپ بارسلون بود هجوم برد و طی عملیات خشونت باری میدان را تخلیه کرد. در حمله ی پلیس صد و بیست و یک نفر از اعضای کمپ بارسلون مجروح شدند که حال دو نفر از آنها وخیم گزارش شده است. تبلیغات دولتی در اسپانیا اما تلاش کردند این حادثه را وارونه جلوه دهند، وارونه نمایی مهوعی که از سوی برخی رسانه های فارسی زبان نیز تکرار شد. «فیلیپ پوج»، معاون کشور حکومت استانی کاتالونیا بالا فاصله اعلام کرد: «تخلیه ی میدان کاتالونیا برای پیشگیری از آسیب ها و زیان های احتمالی در صورت پیروزی تیم بارسلون در لیگ برتر اروپا» انجام گرفته است و «معترضان با پنجر کردن لاستیک اتوموبیل های پلیس، مانع انجام وظیفه ی ماموران انتظامی شده اند و سی و هفت نفر از نیروهای امنیتی را زخمی کرده اند.»

پخش مستقیم خشونت پلیس از یک شبکه ی خصوصی اما تبلیغات دولت محلی کاتالونیا را نقش بر آب کرد و به سرعت، جمعیت حاضر در میدان کاتالونیا به چند برابر افزایش یافت. به رغم تمهیدات پلیس

### میدان باستیل به تصرف معترضان ...

از صفحه ۱

شدند»، تشکیل شده است. فراهانی در این مصاحبه می گوید: «از نکات قابل توجهی که در این جنبش اتفاق افتاد این بود که مجمع عمومی جنبش بعد از تظاهرات در میدان باستیل برپا شد و اعضای این مجمع عمومی تمام شرکت کننده گان در این جنبش بودند و هر کسی که در این جنبش وارد می شود می تواند در این مجمع عمومی حق رای و حق تصمیم گیری داشته باشد. در حقیقت ما به یک سازماندهی افقی نزدیک می شویم یعنی همان چیزی که در اسپانیا هم شاهدش بودیم.»

به گفته ی فراهانی سایتی که یک دانشجوی تاریخ فرانسوی به قصد هماهنگی آکسیون ها در فرانسه راه اندازی کرد، توانست بین دو تا سه هزار نفر را در میدان باستیل پاریس گرد هم آورد. از این پس هر شب ساعت ۱۹، میدان باستیل در اختیار مردم خواهد بود و مجمع عمومی کمپ باستیل روز سه شنبه یا چهارشنبه در همین میدان برگزار خواهد شد. علاوه بر این هر روز در میدان باستیل کارگاه های ایده تشکیل خواهد شد تا در مورد مطالبات این جنبش، ماهیت آن و برنامه های آینده ی این جنبش بحث و گفتگو شود.

همچنین عصر یکشنبه، ۲۹ می با رسیدن خبر سرکوب معترضین فرانسوی به اسپانیا، تجمعی در مقابل سفارت پاریس در مادرید و

کشورهای جی ۸، در شهرهای اروپایی اتفاق خاصی رخ نداد و میدانی به تصرف مردم در نیامد، روز یکشنبه ۲۹ ماه می، یک روز بعد از سالگرد سرکوب خونین کمون پاریس، میدان باستیل به تصرف مردم درآمد.

جرقه یی که از اسپانیا آغاز شد اینک علاوه بر درگیری هر روزه ی مردم و پلیس در میدان «روسویو» لیسبون پرتغال و درگیری های پراکنده در یونان، موجب خروش تهنی دستان و غارت شده گان فرانسوی شده است تا با شعار «آنها ثروت کشور را در اختیار گرفته اند، ما هم خیابان ها را تصرف می کنیم» و «اگر شما از رویاهای ما جلوگیری کنید، ما هم خواب را بر شما حرام خواهیم کرد» میدان باستیل پاریس را تصرف کنند.

با وجود سرکوب خشن مردمی که در باستیل اجتماع کرده بودند از سوی پلیس فرانسه، اما مجمع عمومی میدان باستیل برگزار شد و کمپ میدان باستیل اعلام موجودیت کرد. به گفته ی بابک فراهانی، دانشجوی ایرانی ساکن پاریس که اینک در کمپ میدان باستیل حضور دارد در مصاحبه با بخش فارسی رادیو فرانسه، در کمپ میدان باستیل «کمیسون های نظیر بین الملل، کمیسون خودسازماندهی، کمیسون فرانسه، کمیسون تدارکات و کمیسون های دیگری که مشغول کار و سازماندهی این جنبش

میدان خورشید برگزار شد. بر اساس تصمیمات این جلسه کمپ میدان خورشید لاقبل تا روز چهارشنبه ادامه خواهد داشت تا وضعیت مجامع محلی روشن شود. در این چند روز مشخص خواهد شد وظایف و نحوه ی فعالیت مجامع محلی چگونه خواهد بود، ارتباط آنها با هم و با کمپ میدان خورشید به چه شکلی انجام خواهد گرفت و مجمع عمومی کمپ میدان خورشید هر چند وقت یک بار برگزار خواهد شد. این در حالی است که پلیس مادرید چند روز است میدان سل را به برخورد و قطع تماس ها تهدید می کند.

همچنین در روزهای اخیر نهادهایی چون مجمع سخنگویان محلات، مجمع موزیسین های خورشید پایدار (سل دیز)، کمیسون هرکها و گروه های گوناگون تئاتر در حاشیه ی کمپ میدان خورشید شکل گرفته اند که به نظر می رسد با تخلیه ی موقت این میدان به فعالیت خود ادامه خواهند داد.

۱۰ خرداد ۱۳۹۰ - ۳۱ مه ۲۰۱۱ (گزارش از هژیر پلاسچی: برگرفته از سایت اخبار روز)

بارسلون، عصر همان روز سرتاسر میدان را چادرها و مردم تصرف کرده بودند. حکومت محلی استان کاتالونیا در دست حزب «همگرایی و اتحاد» است که یک حزب ناسیونالیست و محافظه کار کاتالانی محسوب می شود و پایگاه آن بورژوازی سنتی کاتالونیا است.

پخش این تصاویر و انتشار خبر حمله ی پلیس به کمپ بارسلون موجب شد جمعیت در میدان های تصرف شده ی اسپانیا که رو به کاهش داشت به چند برابر افزایش یابد. جمعه شب بسیاری از مردم مادرید با دسته های گل برای دفاع از کمپ میدان سل، خودشان را به دروازه ی خورشید رساندند.

### تکثیر مقاومت در محلات مادرید

با پیش بینی امکان ناپذیر بودن تصرف طولانی مدت میدان خورشید، از همان روزهای اول برخی از فعالان کمپ میدان سل بر تشکیل مجامع مردمی در سطح محله های مادرید برای تداوم مبارزه پافشاری می کردند. اولین جلسه برای تشکیل مجامع محلی روز شنبه، ۲۸ می در کمپ

جمهوری اسلامی است. با تمام قدرت صف رزمندگان این جنگ را تقویت کنیم.\*

### تجمع کارگران نساجی در مقابل استانداری مازندران

پذیرفت کارفرما متعهد شده بود با پرداخت حقوق بصورت ماهانه و هر دو ماه یکبار نیز با پرداخت معوقات، بدهی به کارگران را به صفر برساند ولی متاسفانه تا کنون کارگران نساجی مازندران حقوق آذر، دی، بهمن، اسفند و پاداش سال ۸۸ و ۸۹ و حقوق فروردین و اردیبهشت و دو سال بن کارگری را نیز دریافت نکرده اند.

وضعیت این رژیم یا بهتر است بگوییم جنگ مردم و این حکومت است. جنگی هر روزه که خواست فوری آن سرنگونی حکومت آپارتاید جنسی

بنابه خبر منتشر شده، بدنبال عدم پاسخ گویی مسئولان قائمشهر به کارگران معترض نساجی این شهر، روز ۴ خرداد تعداد کثیری از کارگران با تجمع در مقابل استانداری مازندران خواستار پرداخت حقوق معوقه خود و رسیدگی به اوضاع کارخانه نساجی مازندران که تنها منبع درآمدشان است، شدند. یکی از کارگران گفته است: طبق آخرین قراری که با فرماندار قائمشهر انجام

نکنیم، کنترل تماما از دستمان خارج خواهد شد و شکستمان حتمی است. در این راستا یک بار دیگر لشکر اسلام را بسیج کرده اند تا به جنگ بی حجابی برود. رادان و احمدی مقدم این گشتاپوهای حکومت آپارتاید جنسی کمر بند ها را سفت تر کرده و اعلام کرده اند که دیگر با مساله حجاب جدی برخورد خواهد شد! گویی تا کنون کم جنایت کرده اند و در حمله به زنان کم مایه گذاشته اند. جنگ بر سر حجاب در جمهوری اسلامی، نبردی است به قدمت ۳۲ سال عمر این حکومت آپارتاید جنسی. و امروز مردم با تنگ کردن حلقه محاصره ای خود رژیم را در چنین مخمصه ای گذاشته اند که فریادشان هر روز بلند است. وضعیت حجاب در جامعه ایران، بطور واقعی آینه روشنی از

### جمهوری اسلامی و جنگ حجاب

شهلا دانشفر

تحول و بهبود وضعیت عفاف و حجاب در جامعه وجود ندارد و اعلام می کنند که وزارت کشور باید به مجلس شورای اسلامی گزارش دهد که در طول یک سال اخیر چه اقداماتی در رابطه با اجرای قانون عفاف و حجاب و ساماندهی «پوشش و لباس اسلامی» انجام داده است. در همین راستا احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در سفر هفته گذشته اش به کرمانشاه در گفتگو با خبرنگاران از حجاب برگیران بعنوان یک «ناهنجاری» پیشرونده سخن میگوید. و میگوید اگر «بد حجابی» به هنجار تبدیل شود، دیگر برخورد با آن میسر نخواهد بود. تمام سخنان اینست که اگر کاری

روزی نیست که روضه و گفته ای از جانب سران و امام جمعه های این حکومت و رادان و احمدی مقدم این فرماندهان ارشد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در مورد مساله حجاب و بد حجابی و بیحجابی زنان نشنود. در همین هفته علوی گرگانی مرجع تقلیدشان از وضعیت وخیم حجاب و نازل شدن عذاب الهی هشدار داد. همچنین در همین روزها محمدتقی رهبر رئیس فراکسیون روحانیون مجلس ضمن انتقاد از این موضوع میگوید که نتایج اجرای قانون عفاف و حجاب در جامعه به هیچ عنوان دیده نمی شود و نشانی از

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون «خطر» سوسیالیسم به چه منجلائی بدل میشود!



## "سهام عدالت"، کلاهبرداری آشکار رژیم

بهر روز مهرآبادی

توسعه ملی" و طرح "هدفمند کردن یارانه ها" از مهمترین اقدامات رژیم در این راستا است.

قیمت "سهام عدالت" برای هر نفر در ابتدا پانصد هزار تومان اعلام گردید که بعد از مدتی به یک میلیون تومان افزایش پیدا کرد. مبنای این قیمت گذاری معلوم نشد. این سهام ابتدا به یک شرکت کارگزاری که به همین منظور تاسیس شده بود، فروخته شد و سپس بصورت اعتباری در اختیار شرکت های تعاونی استانی قرار گرفت. بر اساس برنامه ریزی دولت قرار بود بهای این سهام بطور سالانه از محل سود آنها و در یک مدت ده ساله پرداخت شود و دریافت کنندگان این سهام در حقیقت به دولت بدهکار می شوند. شرکت هایی که سهام آنها تحت عنوان سهام عدالت فروخته شد، اغلب شرکت های راکد و یا در حال ورشکستگی بودند. بی ارزشی این سهام از ابتدا معلوم بود. در روزهای اولیه این سهام به قیمت بسیار پائین حتی تا یکصدم قیمت اسمی آن به فروش رسید و دولت وحشت زده خرید و فروش این سهام را ممنوع اعلام کرد با این استدلال که چون صاحبان سهام، بدهکار دولت هستند تا پرداخت بدهی حق فروش آن را ندارند. ارزش سهام در بازارهای بورس بر اساس قیمت مبادله آن برآورد می شود. بنابراین سهامی که قابلیت عرضه به بازار را نداشته هنوز رژیم نتوانسته زمان مشخصی را برای قابل فروش بودن این سهام تعیین کند. به همین دلیل با وجود ممنوعیت خرید و فروش سهام بسیاری از دریافت کنندگان سهام آنرا به شکل وکالتی و یا مبیاعه به مبلغی بسیار کمتر از قیمت اسمی آن می فروشتند.

بر اساس آخرین آمار اعلام شده تقریباً ۳۸ میلیون از این سهام به گروههای مختلف افراد واگذار شده است. یعنی این تعداد هر کدام یک میلیون تومان به دولت بدهکار هستند. بر اساس گزارش کمیسیون اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس، از ۱۴ هزار میلیارد ریال اقساط سهام واگذار شده (که باید از محل سود شرکت ها پرداخت شود) تا پایان بهمن ماه ۱۳۸۸ دولت فقط سه هزار میلیارد ریال دریافت کرده و بقیه

اقساط که ۱۱ هزار میلیارد است دریافت نشده است. یعنی در یک دوره سه ساله برای هر سهم کمتر از سه هزار تومان سود حاصل شده است که با این روند باز پرداخت هزینه بهای سهام بیش از ۲۰۰ سال (یعنی ۲۰ برابر زمان تعیین شده) می شود. حتی اگر تمام مبلغ فوق هم از شرکت های دولتی دریافت شده بود باز هم این مدت نزدیک به ۶۰ سال طول می کشد. برای فروش و توزیع سود سهام عدالت دستگاه عریض و طویلی بوجود آمده که به گفته دست اندر کاران نیمی از سود احتمالی حاصله صرف هزینه آن خواهد شد. اگر اعداد ارائه شده را حتی با ارقام رسمی تورم مقایسه می کنیم. متوجه ضرر فاحش سهام فروخته شده به مردم خواهیم شد. در گزارشی که شرکت سرمایه گذاری سهام عدالت منتشر کرد اعلام نمود که مجموع سود اعلام شده آنقدر نیست که سودی به دارندگان سهام پرداخت شود و مبلغی هم که بعنوان سود اعلام شده بابت قیمت سهام و بدهی سالهای قبل به دولت پرداخت خواهد شد. هفته گذشته علی اکبر اولیا عضو کمیسیون عمران مجلس در مورد پرداخت های قبل از انتخابات، گفت که حتی بهای سهام پرداخت نشده و اصلاً سودی وجود نداشته که به سایرین ماهی ۸۰ هزار تومان سود پرداخت شود. او همچنین گفت که منبع این پرداخت ها مشخص نیست و بعضی شرکت ها از محل بودجه جاری خود آن را پرداخت کرده اند.

اکثریت اعضای ستاد مرکزی سهام عدالت را رئیس جمهور و وزرا تشکیل می دهند. دولت تلاش می کند تا این امکان دزدی را در دست خود نگاهدارد. بسیاری از امور در مورد سهام عدالت مبهم و ناروشن است. بخوبی روشن است که پرسش های اصولگرایان از دولت در مورد "مبانی قانونی توزیع سهام عدالت، مبانی محاسبه سود سهام واگذار شده، میزان و مستندات واریزی اقساط به خزانه، ساز و کار جمع آوری سود سهام واگذار شده و منابع مالی پرداخت سود سهام در آستانه انتخابات ریاست جمهوری"، جواب نخواهد گرفت. مخالفین این پروژه در داخل حکومت همچنین این طرح را مخالف طرح خصوصی سازی شرکت های دولتی می دانند، چون سهام شرکت ها به مردم واگذار شده اما مدیریت و کنترل آنها در دست دولت

است. اما واقعیت این است که ساختار اقتصادی مافیائی - اسلامی رژیم با مکانیسم های سرمایه داری جهانی امروز قابلیت انطباق ندارد. یک اصل اولیه در بازار بورس این است که حساب و کتاب سهام عرضه شده در بازار باید علنی و قابل کنترل باشد در صورتی که در جمهوری اسلامی بر عکس است. بر اساس گزارش رسانه های رژیم وزارت صنایع نه تنها سهم خود را از سود سهام عدالت پرداخت نکرده، بلکه از زمان واگذاری شرکت های تابعه اش به هیچ کدام از نمایندگان سهم عدالت اجازه ورود در هیات مدیره شرکت هایش را نداده است. چند وزارتخانه دیگر هم میلیارد ها تومان بدهی سالهای ۸۵ تا ۸۷ را بابت سهام عدالت، پرداخت نکرده اند.

طرح سهام عدالت را می توان یک پروژه کلاهبرداری آشکار دانست. یک هدف دولت یعنی جلب مردم با وعده های فریبنده سهامدار کردن آنها بود که با شکست روبرو شد. اکثریت مردم با توجه به اینکه این سهام بدون دریافت پول در اختیارشان گذاشته شد و با امید به اینکه بتوانند با فروش این سهام هزینه یک روز زندگی خود را تامین کنند، بدهکاری به دولت را پذیرفتند. فروش سهامی با ارزش صوری یک میلیون تومان، به کمتر از ده هزار تومان نشانه فقر و استیصال شدید مردم، بی اعتمادی مطلق به رژیم و همچنین بی ارزشی این سهام است. جمهوری اسلامی با واگذاری شرکت های راکد و ورشکسته تلاش می کند که از خود سلب مسئولیت کرده و این بار را از دوش خودش بردارد. در ترازهای مالی، دولت طلبکار می شود و برای خود اعتبار کاذب ایجاد

می کند. این می تواند به پنهان داشتن بحران عمیق اقتصادی رژیم کمک کند. دولت بخشی از بدهی خود به صندوق بازتشتستی و سازمان تامین اجتماعی، که از محل حقوق کارگران و کارمندان تامین درست شده، را نیز با عرضه همین سهام بی ارزش پرداخته است. بوجود آوردن شبکه فروش این سهام نیز منبع دیگری برای دزدی و رشوه گیری برای دست اندرکاران رژیم بوجود آورده است. این پروژه هنوز به مرحله اجرا در نیامده ورشکست شد. شرکت سرمایه گذاری استانی سهام عدالت اعلام کرده است که از این پس دیگر پولی بابت سود سهام پرداخت نخواهد شد مگر اینکه دولت تصمیم دیگری بگیرد. در خوشبینانه ترین حالت این پروژه می توانست به آنجا منتهی شود که اکثریت سهامداران بخاطر فقر سهام خود را به قیمت پائین فروخته و مالکیت شرکت ها و کارخانه ها در دست چند سرمایه دار بزرگ متمرکز گردد که مدیریت و کنترل این شرکت ها را در اختیار داشته و سود و حاصل زحمت کارگران را بصورت حقوق ها و پاداش های کلان به جیب های خود بریزند. اما جمهوری اسلامی حتی از ترفندها و کلاهبرداری های "قانونی" و متداول سایر کشورهای سرمایه داری، فاصله زیاد دارد. در ایران کسی سهام عدالت جمهوری اسلامی را جنی نگرفت و برای آن ارزشی قائل نشد، حتی خود دست اندرکاران رژیم. اما این پروژه موضوع پرونده دیگری در مورد چپاولگری های باندهای رژیم شد و بهانه ای برای دامن زدن به نزاع های آنها.\*

### اعتصاب مجدد کارگران پارس متال و اولتیماتوم به کارفرما

روز ۸ مارس کارگران پارس متال در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد اردیبهشت ماه خود دست به اعتصاب زدند. به گزارش منتشر شده در سایت اتحاد، بدنبال این اعتصاب کارفرمای کارخانه طی مذاکراتی با کارگران به آنان وعده داد روز ۱۱ خرداد دستمزد اردیبهشت ماه کارگران پرداخت خواهد شد. در نتیجه پارس متال با این وعده به اعتصاب خود پایان داده و قاطعانه اعلام کردند چنانچه در روز ۱۱ خرداد این وعده محقق نشود بلافاصله پس از پایان تعطیلات پیش

رو بار دیگر اعتصاب را از سر خواهند گرفت. لازم به یادآوری است در رابطه با کل مطالبات کارگران پارس متال پس از راهپیمایی و تجمع این کارگران در مقابل وزارت کار در مورخه ۱۲ اردیبهشت ماه جاری، کارفرما طی جلسه ای در حضور برخی مسوولین دولتی ملزم به پرداخت مطالبات کارگران شد و نهایتاً حدود دو هفته پیش یک مهلت دو ماه و نیمه برای تسویه حساب حقوق معوقه کارگران تعیین گردید

**تظاهرات در ۴۰ شهر در ۲۰ ژوئن در حمایت از زندانیان سیاسی**



http://www.gopetition.com/petitions/20th-june-2011-global-day-in-support-of-political-prisoners.html#sign  
 برای اطلاعات بیشتر برای تظاهرات های ۲۰ ژوئن با شیوا محبوس کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تماس بگیرید.  
 44 (0) 7572356661

Movement (CRRM)  
 روز یکشنبه ۲۹ مه کنسرتی به این مناسبت در شهر بوگنر رگیس انگلستان در ساعت ۳ بعدازظهر برگزار میشود:  
 Sudley Road, Bognor Regis 46  
 PO21 1ERhttp://tinyurl.com/3wtw3v4  
 لطفا طومار حمایت از زندانیان سیاسی را به مناسبت ۲۰ ژوئن امضا کنید

**شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی**  
 کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
<http://www.countmein-iran.com>

**سوئد:**  
 Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
 account holder: IKK  
 برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

**آلمان:**  
 583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
 Bankleitzahl: 37010050, Post Bank  
**کانادا:**  
 Scotiabank Canada, ICRC  
 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
 Account #: 84392 00269 13  
**هلند:**  
 Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
 Shomare hesab: 15 13 50 248  
 Adres: EINDHOVEN  
 IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248  
**آمریکا:**  
 Bank of America  
 277 G Street, Blaine, Wa 98230  
 phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
 Account number : 99 - 41581083  
 wire: ABA routing # 026009593  
 swift code : BOFAUS3N  
 شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:  
 England, Account nr. 45477981  
 sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
 , Bank: NatWest branch: Wood Green  
 81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
 NWBK GB 2L BIC:  
 سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:  
 از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۱۸۰۵۱  
 کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
 مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
 از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

در محل ، Balboa Park in Encino, California  
 310-866-9280، مادران پارک لاله  
 در لوس آنجلس  
 آمریکا: فیلادلفیا و پنسیلوانیا  
 ساعت ۱ تا ۲ عصر، در محل  
 Love Park in Philadelphia, PA  
 تماس  
 raminhag@gmail.com  
 Organised by: Iranian Refugee Amnesty Network  
 واشنگتن دی سی:  
 ساعت ۱ عصر ، اطلاعات بعدا تکمیل میشود.  
 تماس:

Mission ,Maria Rohaly  
 -595-240- Free Iran  
 2633  
 maria.rohaly@gmail.com  
 آمریکا: هوستن تکزاس،  
 اطلاعات بعدا تکمیل میشود  
 تماس: . Tour Irani  
 کانادا، اتاوا:  
 ساعت ۱۲ تا ۲ عصر، مقابل پارلمان،  
 کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان  
 سیاسی، داد آرام  
 613-859-7929 -  
 کانادا، تورنتو و ونکوور ،  
 اطلاعات بعدا تکمیل میشود  
 تماس در ونکوور: سیما اشرافی نیا  
 تورنتو: کمیته مبارزه برای آزادی  
 زندانیان سیاسی

قبرس: Limassol & Paphos  
 اطلاعات بعدا تکمیل میشود  
 Cyprus Refugee Rights  
 Movement (CRRM)  
 امیر مسعود خاقانی، 96484292  
 قبرس: Limassol  
 مسعود ترابی 96648884 ، سعید  
 خاقانی 97654055، بهمن شیردل  
 99840545 ، سید تقی حسینی  
 بیاتی 97681765  
 Cyprus Refugee Rights  
 Movement (CRRM)  
 قبرس: نیکوزیا: اطلاعات بعدا  
 تکمیل میشود  
 علی رضائی 97712984 ، مریم  
 آرامش 99173783  
 Cyprus Refugee Rights  
 Movement (CRRM)  
 قبرس: لارناکا: اطلاعات بعد  
 تکمیل میشود  
 حمید رضا خاقانی 96424002  
 Cyprus Refugee Rights

سوئد، لوند: ساعت ۵ تا ۶ عصر  
 در محل Stortorget  
 کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان  
 سیاسی، هلاله طاهری  
 0703171102  
 سوئد، مالمو: ساعت ۵ تا ۶ عصر  
 در محل Davidshallsbron  
 ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر راهپیمایی  
 بطرف مرکز شهر  
 کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان  
 سیاسی، فریده آلمان، 0 703 63 80  
 88  
 سوئد، اورویرو : ۱۸ ژوئن ساعت ۵  
 تا ۷ عصر در محل  
 Stortorget  
 Mission Free Iran  
 نوید میرپورزاده،

0736587957  
 navidyalda42@yahoo.com  
 Mission Free Iran  
 سوئد، سوخو (یونشوپینگ):  
 ساعت ۵ تا ۷ عصر در محل  
 Hörsalsparken  
 آرن میردولفاروی  
 0700773423 ،  
 سوئد، استکهلم: ساعت ۵ عصر ،  
 کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان  
 سیاسی، اطلاعات تکمیل میشود.  
 سوئد، ویسبی: ۱۸ ژوئن ساعت ۷ تا  
 ۸ شب در محل  
 Almedalen  
 آلمان، فرانکفورت :  
 ساعت ۶ عصر در محل  
 Hauptwache  
 کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان  
 سیاسی

آلمان، دورتموند: مادران پارک لاله  
 ساعت ۳ تا ۴ عصر ۱۸ ژوئن، در  
 محل  
 Katharinenstraße, 44137  
 Dortmund  
 آلمان، کلن: ساعت ۶ عصر در محل  
 city centre  
 آلمان، برمن: ساعت ۶ عصر مکان:  
 city centre  
 آلمان، مونیخ: ساعت ۶ تا ۷  
 عصر، در محل  
 Marienplatz  
 پترا پلوتتر 0176-50728972  
 آلمان: هامبورگ، دارمشتات ،  
 ماینز، ورشو، نورنبرگ،  
 لایپزیک : اطلاعات بعدا تکمیل  
 میشود.  
 آمریکا: لوس آنجلس، کالیفرنیا  
 شنبه ۱۸ ژوئن ساعت ۲ تا ۴ عصر ،

بیستم ژوئن روز عهد و پیمان دوباره ما  
 برای آزادی بی قید و شرط زندانیان  
 سیاسی و خاتمه دادن به دستگاه جنون  
 و جنایت جمهوری اسلامی است!  
 تا امروز در ۴۰ شهر جهان در روز  
 ۲۰ جون (سی خرداد) در دفاع از  
 زندانیان سیاسی تظاهرات سازمان داده  
 شده است. لیست این شهرها، مکان و  
 زمان تظاهرات ها به شرح زیر است:  
 لندن انگلستان: دوشنبه ۲۰ ژوئن ،  
 ساعت ۶ الی ۸ غروب، در مقابل  
 سفارت رژیم اسلامی در لندن، کمیته  
 مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
 شیوا محبوس  
 07572356661

اسکاتلند، گلاسگو: اطلاعات بعدا  
 تکمیل میشود  
 Contact: theaim@hotmail.co.uk  
 Organizer: The Anti-Injustice  
 Movement  
 هلند، آمستردام: ساعت ۳ تا ۵  
 عصر در مکان  
 Beursplein  
 کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان  
 سیاسی، یلدار بیرانوند  
 اسلو V نروژ: شنبه ۱۸ ژوئن،  
 ساعت ۳ الی ۵ بعدازظهر  
 در مقابل پارلمان، کمیته مبارزه برای  
 آزادی زندانیان سیاسی، ابولقاسم کاردار  
 ۰۰۴۷۴۱۳۳۳۲۶۸  
 سوئد، بروس: ۲۰ ژوئن، ساعت ۴ تا  
 ۶ عصر در محل  
 Stora torget  
 کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان  
 سیاسی، اسماعیل مردوخی  
 0 737 59 85 66

سوئد، گوتنبرگ: ۲۰ ژوئن ساعت ۴  
 تا ۶ عصر، در محل  
 Brunnsparken  
 کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان  
 سیاسی، نوید مینایی 0 708 544  
 529  
 سوئد، هسلهلم: ساعت ۵ تا ۷ عصر  
 در محل  
 Stortorget  
 فاضل نادری 0736481740  
 سوئد، هلسینگبوری: ساعت ۵ تا  
 ۶ عصر، در محل  
 Rådhusorget  
 سیاسی، گبی حسینی  
 0760879874  
 سوئد، کارلسکرنا: ۲۰ ژوئن  
 ساعت ۴ تا ۶ عصر در  
 محل  
 Ronnebygatan 43 till 47  
 i Centrum  
 کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان  
 سیاسی، امیر کامرانی  
 0 704 53 10 47



## جای طناب دار بر گردنشان از ...

آیا کسی حاضر است به چشمهای مادری که دو فرزند جوانش را سه دقیقه بعد از آخرین دیدار او با آنها، اعدام کرده اند، نگاه کند و غم و اندوه عمیقی سراپای وجودش را در بر نگیرد. مهوش علا سوندی مادر محمد و عبدالله بدلیل آزار و اذیت های حکومت اسلامی مجبور به ترک ایران میشود و با او از طریق اسکایپ به گفتگو نشستند و به حرفهایش گوش میدهم.

بارها در طول این مصاحبه با دقت او را برانداز میکنم، حرکات صورت و دستهایش، نگاهش و خنده هایش وقتی از فرزندانش حرف میزند و شعرها و حرفهای آنها را برابم میخواند، برای من بسیار جالب و آموزنده است. احساس میکنم مثل کوه ایستاده است. و این مردم با این درجه از مناعت طبع و آزادی و احترام به انسانیت، نقطه امید بزرگی برای من هستند که دنیا فقط در دست زالوهای همچون خامنه ای و احمدی نژاد نیست، مردمی هستند که در سخت ترین روزهای زندگیشان از انسانیت حرف میزنند و انسانیت را نمایندگی میکنند مهوش بی شک یکی از این عزیز ترین انسانها است.

اینها از نظر من قهرمانان این دوره هستند. مادران و پدرانی که بعد از زخم و درد عمیقی این چنینی، کماکان میگویند باید کاری کرد که اعدام در هیچ جای دنیا انجام نگیرد. اینها پرچمداران مبارزه علیه قتل عمد دولتی هستند و به احترام مهوش و بیژن و هزاران هزار مادر و پدر که با وجود غم سنگین بر دلهایشان، برای ممنوعیت کامل قتل عمد دولتی و جنایت مبارزه میکنند باید پیا خاست. بچه های آنها را به اسم دفاع از امنیت و به اسم قانون و دولت کشتند و اینها مصمم هستند افشاکاری کرده و علیه قتل عمد توسط دولتها مبارزه کنند. اما آنها با تمام این درد و غمی که بر قلبشان نشسته میگویند باید برخاست و کمک کرد تا این حکومت اعدام در ایران ریشه کن شود.

به مهوش سلام میکنم و یکبار دیگر مراتب همدردی عمیق خودم و در عین حال تعداد زیادی را که از اقصی نقاط جهان با ما تماس گرفته و با خانواده فتحی همدردی کرده اند را ابراز میکنم.

مینا احدی: از ایران میپرسم و اینکه چرا مراسم شب هفت برگزار نشد؟

### از صفحه ۱

مهوش علا سوندی: بعد از مراسم راهپیمایی و شعارهایی که در طول عبدالله از سوی مردم داده شد و اینکه طبق رسم بختیارها، صد تیر شلیک شد، حکومت و مقامات محلی بسیار عصبانی شده بودند. آنها به ما گفتند، برای مراسم شب هفت، اجازه نداریم اعلامیه بدهیم و مردم نباید بیایند و اجازه نداریم مداح بیاریم و اخطار کامل دادند که ممکن است هر کاری از سوی ما به دستگیری تعدادی منجر شود.

من به آنها مراجعه کرده و فیلمهای مراسم را خواستم من وصیت نامه فرزندانم را میخواستم. مسئول بند الف طا گفت چیزی پیش من نیست. گفتم چطور ممکن است؟ این وصیت نامه یا پیش شما است و یا آقای شیخی معاون مدیر زندان گفتند بروید فردا زنگ میزنیم. دو روز بعد ساعت شش و نیم صبح يك ماشين سمند سفید اطلاعات آمد، مامورین آمده بودند مرا ببرند از یکی از دوستان ما پرسیدند خانم فتحی کجاست و پاسخ این بود که نزد دوستان برای استراحت رفته، گفته بود که بنرها و عکس فرزندانم که در سطح شهر پخش شده و در کوچه و خیابان نصب شده بود را باید جمع کنیم. بعد از مراسم یکبار به من پیغام دادند برای گرفتن لباس بچه ها بروم، حالم خوب نبود و نیم ساعت بعد دو تا مامور آمدند گفتند با خانم فتحی کار داریم باید به زندان دستگرد بند الف طا بیاید. مردمی که در منزل ما بودند گفتند این زن حالش خوب نیست و به بیمارستان رفته است، دوباره عصر آمدند و پرسیدند؟ آیا اصلا در استان اصفهان هست یا نه. با فشار و تهدید به دستگیری مراسم شب هفت را لغو کردند

مینا احدی: شنیدیم بعد از مراسم تشییع جنازه هم آمدند و مزاحم شما شدند، واقعا شرم نکردند بعد از این مراسم بلافاصله به منزل شما آمدند و سوال اینست چه میخواستند و چه گفتند.

مهوش علا سوندی: بعد از تشییع جنازه، هم وقتی به خانه برگشتیم، هنوز فرصت اینکه گرد و خاک را از سر و صورتان بشوریم پیدا نکرده بودیم که مرا احضار کردند. گفتند این چه مراسمی است که گرفتید؟ و تذکر داده و تعهد کتبی گرفتند که مراسم بدین صورت ادامه پیدا نکنند. و در همان

روزتلفن و اینترنت خانه ما را قطع کرده اند. که افراد خانواده ما با رسانه های بین المللی تماس نگیرند.

فیلمسردار مراسم و یکی از تیراندازها را با بازداشت کردند. میگفتند با رادیوهای بیگانه مصاحبه نکنید. من بعد از مراسم تشییع جنازه بالاخره مجبور شدم آنجا بروم و دو ساعت با رییس اماکن حرف میزدم. تهدید کرد که اگر مصاحبه کنی فیلم پخش میکنیم از من تعهد کتبی گرفتند که مصاحبه نکنم. رییس اماکن گفت دادستان حبیبی به ما گفته این خانم و همسرش آبروی من و سران رژیم را برده اند، من هم آبروی اینها را میبرم. من به او پاسخ دادم چگونه میخواهد آبروی ما را برده، چه میتواند بکند؟ رییس اماکن تهدید میکرد که اگر مراسم بگیرم و موضوع را فیصله ندهید، يك عده ممکن است به مراسم شما حمله کنند، چند تا ممکن است چاقو بخورند کشته بشوند برای آرامش روح فرزندانم خوب نیست. گفتم کدام مردم قرار است حمله کنند و چاقو بزنند، نیروی انتظامی کجاست؟ آیا نمیتواند حمایت کند؟ جوابش این بود مردم به شما حمله کنند ما چکار میتوانیم بکنیم. بعد از تعهد گرفتن از من و گفتن اینکه هر بار احضارت کردیم باید بیایی. مرا آزاد کردند. فقط چند ساعت بعد از مراسم تشییع جنازه دو فرزندم این رفتار آنها با من بود. در مورد فیلم کذایی آنها گفتم یکسال است اینرا پخش میکنند و در روزنامه هایتان این مطلب را مینویسید دیگر چه کاری میخواهید بکنید؟ گفت در سر چهار راه فردوسی در شاهین شهر محل زندگی خودتان این فیلم را بیست و چهار ساعته پخش میکنیم. گفتم نه فقط در چهار راه فردوسی، بلکه در سراسر ایران پخش کنید، دستتان درد نکند!!! این فیلمها را به مردم نشان دهید تا شاید جلوی ابراز احساسات مردم به ما را بگیرد و مردم این قدرها من ابراز همدردی نکنند.

مینا احدی: البته همان روز در سایتهای اینترنتی فیلمی پخش شد که در آن دو نقابدار مسلح به يك مغازه طلا فروشی حمله میکنند آیا منظور این فیلم بود.

مهوش علا سوندی: بله همین فیلم را میگویم. محمد رضا حبیبی دادستان کل استان اصفهان با تلویزیون شبکه پنج استان، مصاحبه کرد من پیغام فرستادم اگر توانستید ثابت کنید این فیلم مربوط به فرزندان من هست

من حاضرم با شما گفتگو کنم. گفته بود اینها جنایت کرده اند. پرسیدم، بچه های من آدم کشته اند؟ جوابش این بود مگر جنایت فقط آدمکشی است جنایت معنای خیلی چیزها را میدهد. من گفتم، من خودم لیسانس زبان و ادبیات فارسی دارم و در هیچ فرهنگ لغتی و در هیچ جایی جنایت غیر از قتل و آدمکشی معنی نشده است. قتل جنایت است همان کاری که آنها کردند. من کماکان خواهان روشن شدن پرونده فرزندانم هستم چرا اینها را به اعدام محکوم کردند؟ چه کسانی خواهان اجرای فوری این حکم بودند و چه کسی اثبات میکند این فیلم، و این دو نقابدار فرزندان من هستند؟.

مینا احدی: در حقیقت آنها صحبت کردن در مورد فرزندان شما را بر شما ممنوع کردند.

مهوش علا سوندی: وقتی با مامورین و مسئولین حکومتی بعد از اعدام فرزندانم روبرو میشدم همواره میگویم من جز حقیقت چیزی نگفتم ام. الان که کاری از دست من برنمیآید فرزندانم را کشتید اقلا اجازه دهید در مورد آنها حرف بزنم. چرا برای حرف زدن در مورد فرزندانم باید بازخواست شوم. گفتند سخنرانی نکنید تهدیدم کردند میگفتند مردم ناراحت میشوند اگر سر و صدا و اعتراض کنید. پرسیدم کدام مردم؟ به اسم کدام مردم جنایت میکنید و ما را ساکت میکنید. مردمی که به ما پیغام میدهند و یا در مراسم شرکت داشتند و عکس فرزندان مرا بزرگ میکنند، آیا اینها مردم نیستند؟ مردم به من میگفتند وقتی در تلویزیون يك فیلم بی سر و ته در مورد محمد و عبدالله نشان دادند که مغازه ای مورد تعرض دو نقابدار قرار گرفته، که اصلا معلوم نیست کجاست و این نقابداران چه کسانی هستند و فیلم بیشتر ساختگی به نظر میرسد، میخواستیم تلویزیونهایمان را بشکنیم آیا اینها مردم نیستند؟.

مینا احدی: کمی در مورد پروسه رسیدگی به پرونده فرزندانم بگو.

مهوش علا سوندی: در مورد پرونده دوست دارم حرفهایم را بزنم. در جریان دوندگی چندین ماهه من برای نجات بچه ها دو بار از سوی مقامات در ماه اول دستگیری از طرف اداره آگاهی اشخاصی را فرستادند خانه من، در حالیکه هنوز دادگاه تشکیل نشده بود و معلوم نبود که فرزندان من چرا و به چه اتهامی دستگیر شده اند، اینها

آمدند گفتند دو بچه شما و یکی دیگر از جمعی که دستگیر شده اند، اعدای هستند پول بده تا ما پرونده را که تا الان صد برگ شده سبکتر کنیم. رییس اینها سروان رحیمی و رئیس رحیمی سرهنگ حسین زاده و ستوان بهرامی شکنجه گران فرزندانم هستند. یکی از اینها کنترل تلویزیون خانه مرا در دست داشت و با آن نشان میداد که این بچه ها در لبه پرتگاه هستند و کنترل را در لبه میز گرفت و گفت ممکنست این بچه ها هر لحظه پرتاب شوند. و میگفت به ما پول بده کمی تخفیف بگیریم. يك گروه دیگر یکبار به من گفتند يك میلیارد بده چهار روزه آزادشان میکنیم. اینها يك شبکه هستند با باندهای مختلف که از این طریق پول و پله بهم میزنند و این پیشنهادها از سوی مقامات بالای این حکومت بوده است. هیچگاه فراموش نمیکنم وقتی پرسیدم چگونه میتوانم با پول، این پرونده را جابجا کنید، من این میزان پول را ندارم و از کجا این مقدار پول را به شما بدهم جواب این بود، حکومت خودش به خودش باج میدهد تو چکار داری ما درستش میکنیم. هنوز هم که هنوز معنی این جمله را نمی فهمم.

مینا احدی: بارها گفته ای که فرزندان تو در بند سیاسی بودند، آیا این صحت دارد که آنها در بند سیاسی ها بودند.

مهوش علا سوندی: کاملا اینطور بود آنها در بند سیاسی بودند.

سوال من اینست که اگر بچه های من سارق بودند چرا در بند سیاسی بودند

آنها را ۴ ماه شکنجه دادند و نه ماه در انفرادی بودند جایی بدون نور خورشید.

آنها به من و فرزندانم حکم اعدام را نشان ندادند، سه دقیقه بعد از ملاقات من با فرزندانم آنها را دار زدند من از حکومت اسلامی ایران شکایت دارم حتی حکم را نه به وکیل نه به خانواده و نه به بچه ها موقع اجرای حکم نشان ندادند. گفتم من باید حکم را ببینم لااقل به پدرشان توضیح دهم چگونه چرا و به چه اتهامی این دو بچه را کشتند و رییس زندان آقای عبدالهی گفت حکم در راه است. پرسیدم چه کسی قرار است حکم را بیابرد گفت قاضی گفتم اینجا می ایستم تا قاضی بیاید و حکم را نشان دهد. امروز هم میگویم اگر قبل از اجرای حکم مدعی شوندم که حکم را به فرزندان من نشان

## جای طناب دار بر گردنشان از ...

از صفحه ۹

داده اند، آنرا باید روی سایتها بگذارند تا حرفشان را باور کنم. کسی حکمی را ندیده بود. وکیل از دیوان عالی قضایی درخواست کرد حکم را طبق قانون به او اعلام نموده تا در صورت تایید حکم اعدا در خواست توقف اجرای حکم و اعاده مجدد دادرسی را تقدیم دیوان عالی قضایی نماید. اما گفتند بدون حکم هیچ کاری نمیشود کرد. چون حکم نزد حبیبی یعنی دادستان استان اصفهان است. برای دیدن دادستان خیلی دوندگی کردم بعد از تقاضای زیاد توانستم دادستان یکی از شهرستانهای توابع استان اصفهان را در يك خيابان به اسم سه راه نظر ببینم، گفت خانم کار شما را هیچ چیزی جز رابطه حل نمیکند يك سکه طلا و جانماز و قران و مهر کربلا را از من گرفت که به انصاری رئیس حوزه قضایی استان اصفهان بدهند تا حداقل يك قرار چند دقیقه ای با دادستان بگیرد اما پس از دریافت سکه به من وقت ملاقات ندادند. دادستان دستور مستقیم از بیت رهبری و لاریجانی داشت. بالا بیاها در دیوان عالی قضایی پرونده پزشکی فرزندان مرا دیده و گفتند کله کنده ها گفته اند، طرح بچه های شما این بوده که ظرف بیست دقیقه ریاست جمهوری را خلع سلاح کنند و بیت رهبری را نیز مورد حمله قرار دهند. گفتم بچه های من چه اعجوبه هایی بوده اند ما یکبار در حال رد شدن از اطراف بیت رهبری بودیم و یکی از همراهان من يك پسر جوان بود، دستش را کشید گفت اینجا بیت رهبری است با بلند گو صدایمان کردند و گفتند چرا دستت را بسوی بیت رهبری دراز کردی و چه میخواهی. اینها اینستوری از بیت رهبرشان محافظت میکنند و دو پسر من چگونه میتوانستند کاری با او بکنند اینرا نمی فهمم. قاضی مقضی پیغام داده بود دادگاه را به مسخره گرفتند. در دادگاه فرزندان وقتی در مورد اتهامات این دو جوان حرف میزنند قاضی حکم را اعلام میکند. قاضی میگوید محکوم به اعدام میشود و آن دو شروع کردند به خندیدن و میگویند تو از قضاوت هیچ چیز نمی فهمی. این چه بساطیه جور کردید اینجا. شما ظرف دو ساعت برای هفت نفر حکم اعدام صادر میکنید سپس قاضی از دو فرزند من پرسید چکار میتوانیم بکنیم برای شما تخفیف بگیریم و عبدالله میگردد برای خواهر و مادرت تخفیف بگیر. عبدالله گفت تو خودت این حکم را دادی و حالا

زندان سیاسی است.

مینا احدی: آیا تقاضای عفو و بخشودگی دادید.

مهوش علا سوندی: من یکبار مجبور شدم يك سکه طلا به انصاری رئیس حوزه قضایی کل استان بدهم تا يك ملاقات با دادستان برای من جور کند که سکه را گرفتند و ملاقات انجام نشد سپس به من گفتند باید تقاضای عفو و بخشودگی کنی. این کار را کردم و پاسخ این کمیسیون به درخواست من منفی بود. رئیس کمیسیون عفو و بخشودگی فردی به اسم مالکی معاون دادستان بود. يك نفر دیگر هم از معاونان دادستان کل استان اصفهان یوسفی بود که در اجرای احکام می نشست. گفتند باید این کمیسیون درخواست عفو را که ما داده بودیم بررسی کند. بعد از مدتها دوندگی گفتند کمیسیون جواب منفی داده و فرزندان من شامل عفو نمی شوند، فقط میخواستم جلوی اعدام گرفته شود، سوال کردم چه کسانی عضو این کمیسیون هستند؟ و جواب آنها مرا در

جای خود میخکوب کرد: کمیسیون عفو و بخشودگی چهار عضو داشت. نفر اول انصاری رئیس حوزه قضاییه استان اصفهان، نفر دوم دادستان حبیبی یعنی همان کسی که با اصرار و ابرام خواهان اعدام فرزندان من بود، نفر سوم رئیس نیروی انتظامی و نفر چهارم مالکی که رئیس این کمیسیون هم بود.

باور کنید در تمام مدتی که دنبال کار فرزندانم بودم این تلفن دست من بود و از مقامات مختلف به من زنگ میزدند و تقاضای پولهای کلان میکردند. فردا توسط شخصی یا اشخاص دیگر زنگ زده میشد و میگفتند چهار روز وقت داری به ما این مقدار پول بده تا کارشان را درست کنیم. عین لاشخورها دور مرا گرفته بودند. این تماس های مکرر کابوس شبانه من شده بود یکی از دوستان نزد امام جمعه اصفهان رفته و از ایشان درخواست کمک برای عفو این دو جوان کرده بود او گفت من خودم این حکم اعدام را در خواست کرده ام و دیگر نمیتوانم کاری بکنم. ولی میتوانم شما را راهنمایی کرده که چگونه این کار را انجام دهید فردای این روز شخصی به من تلفن زد و گفت ما میتوانیم برای شما توقف و لغو حکم را بگیریم پرسیدم چگونه؟ پاسخ داد این کار توسط پسر امام جمعه اصفهان انجام می شود و شما دوست میلیون تومان واریز کرده

تا کار شروع شود و در ادامه مبالغ دیگر را به شما اعلام خواهیم کرد در جواب به آنها گفتم که توانایی مالی آن را ندارم و فرزندانم را به خدا می سپارم حال شما خود قضاوت کنید پدر حکم اعدا را تایید و پسر برای لغو آن در خواست چنین مبالغ هنگفتی مینماید.

مینا احدی: پس کمیسیون عفو و بخشودگی از خودشان هست [درسته؟ مهوش علا سوندی: کاملاً درسته. اعضای کمیسیون عفو و بخشودگی، خودشان بودند.

همان کسانی که حکم اعدام را داده اند، معلوم است که اینها حکم خودشان را نمی شکنند. وقتی بار اول گفتند که کمیسیون با درخواست من مخالفت کرده گفتم حالا چکار کنم گفتند مجددا درخواست عفو کن. اینها همه برای این بود که در گزارش بنویسند دوبار تقاضا شد و بررسی کردیم و جواب منفی بود. برای کسی که خبر نداشت چنین وانمود میشد که يك کمیسیون بیطرف به اعتراض و درخواست عفو و بخشودگی از طرف من رسیدگی کرده ولی اصل موضوع این بود که قاتلین و مدافعین صد در صد اعدام باید درخواست مرا بررسی میکردند معلوم است که نیم نگاهی هم به نامه من نینداخته اند. از آنها پرسیدم هیتتی بالاتر و صلاحیت دار تر نیست که نزد آنها بروم. گفتند بررسی مجدد را هم همان کمیسیون انجام می دهد. سؤال کردم آیا این کمیسیون يك روزه نظرشان تغییر می کند؟

مینا احدی: در مورد آخرین ملاقات و روحیه فرزندان قبل از اعدام اگر میخواهید کمی صحبت کنید.

مهوش علا سوندی: چیزی که من در دقایق آخر زندگی فرزندانم شاهد بودم استوار بودن محکم بودن عرو و شغف و تقاضای ایستادگی و مقاومت از طرف آنها برای من بود. آنها چهره خندان و مطمئن داشتند بر خلاف تصور از کسانی که به سمت طناب دار میروند فرزندان من هیچکدام نگران و مضطرب نبودند و نمی دانم که چه چیزی باعث شده بود که احساس ترس نسبت به مرگ نداشته باشند. حال که فکر میکنم مبینم کسی از مرگ میترسد که از اعمالش احساس گناه داشته باشد و این را نه تنها من که مادر آنها هستم مشاهده کردم بلکه تمام کسانی که آنجا حضور داشتند مشاهده نمودند و لحظه اعدام طبق گفته یکی از خود مشاهدین تا لحظه ای که جان در بدن داشتند

صدای خنده شان بلند بود و در این کار از یکدیگر پیشی میگرفتند و در واقع به مرگ لبخند می زدند و من از ایشان خواستم که اجازه ندهند هنگام اعدام چشمان زیبایشان را ببندند بلکه با چشمان باز به چشمان کسی که طناب دار را به گردن آنها می اندازد نگاه کنند و آنها گفتند مادر مطمئن باش که ما هم همین را میخواهیم و خوشحالیم از این که تو را اینگونه محکم و سربلند می بینم.

خانم احدی در همان سه دقیقه ای که آخرین ملاقات را به ما دادند. رئیس زندان و آخوندهای رنگارنگ و لباس شخصی هایی آنجا بودند که تعدادشان به چهل و پنجاه نفر میرسید، همه مات و مبهوت بودند کسی جرات نمیکرد به چشمانی من نگاه کند. فقط رحیمی شکنجه گر آنجا سرحال بود و بشاش نگاه میکرد.

و امروز جای طناب دار بر گردن آنها که بعدا دیدم يك لحظه از خاطرم کنار نمیرود..

و مهوش با اعتماد به نفس حرف میزند و اینکه پیگیری خواهد کرد تا شاید يك دادگاه بین المللی در این مورد حرفی بزند و یا يك نهاد بین المللی پیگیری این پرونده را به عهده بگیرد و بررسی کند چرا دو پسر مرا کشتند. او سپس دستخط های فرزندان را نشان میدهد و شعرهای آنها را برای من میخواند و بعضی وقتها می خندد و میگوید:

محمد طبع شعر داشت و مدتها قبل از دستگیری يك کلیپ درست کرده و پنج سال قبل شعر "کل کل باخدا" و کلیپی علیه اعدام با صدای خودش تهیه کرده بود. وقتی این کلیپ را گوش کردم قبل از اینکه موضوعی در کار باشد به او گفتم مادر تو از کجا احساسات اعدامیها را دقیق میدانستی که چنین تکان دهنده تصویرش کرده ای... روزی که دستگیر شدند مامور آگاهی آمد و گفت: بچه شما شعرهای قشنگی میکه اینها را از کجا یاد گرفته، از ترسم گفتم نمیدانم....

محمد ولی زیاد شعر میگفت. يك شعر دارد راجع به جنگ ایران و عراق و راجع به فقر جامعه و شعر دیگری به اسم اعدامی شماره دو که بعد از محکومیت خودش به اعدام سروده است دفتر آرش دست آنها است این دفتر را به زبان انگلیسی نوشته بود یکبار نشانم داد. شاید میخواست احساسات و شعرهایش راجهانی کنه .....

## منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی



تبعیض آمیز نسبت به زنان.

۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت

۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگانشان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۸- تامین فوری مریم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.

ضامن تحقق اهداف فوق قدرت مردم است. مردمی که با انقلاب خود جمهوری اسلامی را سرنگون کرده اند باید متحد و متشکل به حضور فعال در عرصه سیاست ادامه دهند، هر نیروی مانع تحقق اهداف فوری فوق و کل خواستهای انقلاب را کنار بزنند و اداره امور را خود در دست بگیرند.

سرنگونی حکومت و درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی به معنی تحقق اهداف زیر است:

۱- خلع ید ولی فقیه، رئیس جمهور و کلیه مقامات دولتی از قدرت

۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت

۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم

۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

جنبش سرنگونی همچنین بمنظور جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع بند و بست و مهندسی قدرت از بالای سر مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند حکومتی آتی را تعیین کنند برای تحقق اهداف زیر پیگیرانه مبارزه میکنند.

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی

۲- لغو مجازات اعدام.

۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین

## دختران فراری قربانیان حکومت آپارتاید جنسی اسلامی

شهلا دانشفر

مردسالارانه، زندگیشان به نابودی و تباهی کشیده شده است. بعنوان ملوک و ناموس مرد در خانه نگهداری میشوند و از مناسبات اجتماعی دور میمانند. و خانه برایشان به زندانی تبدیل میشود. در این مناسبات هرروز تحقیر میشوند، توهین میشوند شکنجه میشوند و دولت و قانون هم رسماً علیه آنهاست و این نابرابری و تحقیر را نهادینه کرده است. بسیاری از دختران در این مناسبات مورد خشونت و تعرض دائمی قرار دارند. این فشارهای هر روزه مساله فرار دختران از منزل را در ایران به یک پدیده گسترده اجتماعی تبدیل کرده است. دخترانی که حاضر به تن دادن به این تحقیر و تعرض هر روزه نیستند. میخواهند آزاد باشند و نفس بکشند و سرانجام برای رها شدن از جهنمی که در خانه برایشان ساخته شده، راه گریز از منزل را انتخاب کرده و راهی خیابان میشوند. و آنجا با یک جهنم وحشتناک تر روبرو میشوند. دختران فراری بنا به گزارشها در همان ۲۴ ساعت اولیه فرار از خانه صرفاً برای اینکه برای خود

نامنی در بین مردم ایجاد کرده و از این طریق قدرت سیاه و ضدانسانی خود را بر سرنوشت زنان و کل جامعه تحمیل میکند. راه پایان دادن به سنگسار نیز پایان دادن به عمر حکومت های اسلامی و در راس آنها جمهوری اسلامی است که محرك و الهام بخش اصلی سنگسار توسط دار و دسته های اسلامی از جمله در اوکراین است.

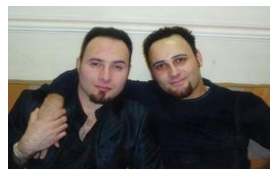
## یک دختر ۱۹ ساله در اوکراین سنگسار شد جنبش سیاه اسلامی



طبق اخباری که امروز در رسانه های بین المللی منتشر شد، کاتیا کورن دختر جوان ۱۹ ساله، بعد از شرکت در یک مسابقه ملکه زیبایی در اوکراین، توسط سه جوان در نزدیک روستای محل زندگیش سنگسار شد. جسد این دختر جوان که از یک هفته قبل گم شده بود، در منطقه کریمه در نزدیکی خانه اش پیدا شد.

سه جوان متهم هستند که کاتیا را سنگسار کرده و جسدش را در این منطقه دفن کرده اند. تا کنون یک نوجوان ۱۶ ساله به نام "بیحال گازیوف" دستگیر شده و به پلیس گفته است که کاتیا قانون اسلامی شریعه را زیر پا گذاشته و طبق قانون خدا باید کشته میشد. سنگسار کاتیا، برگ دیگری به پرده سیاه جنبش اسلامی افزود. جنبشی که با جنایت و سربریدن و چشم در آوردن و سنگسار، فضای وحشت و

کمیته بین المللی علیه سنگسار از مردم آزادیخواه اوکراین که در جریان کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی صحنه های شکوهمندی در دفاع از انسانیت و بر علیه وحشیگری اسلامی خلق کردند میخواهد که به میدان بیایند و جنبش اسلامی را با تمام قوا عقب برند. تردیدی نداشته باشید که همه ما در این مبارزه در کنار شما خواهیم بود. از همه مردم شریف جهان میخواهیم یکبار دیگر علیه سنگسار و



جوان عکس العمل فوری و مناسب نشان دهد.

متن فارسی و انگلیسی این نامه و همچنین شکایت نامه عبدالله فتاحی در مورد شکنجه و رفتار ظالمانه علیه او در زندان برای مقامات سازمان ملل ارسال شده است، کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن اعلام این خبر و انتشار آنها در سطح

## خانواده فتاحی خواهان اعزام یک هیئت از سوی سازمان ملل برای رسیدگی به اعدام وحشیانه فرزندان خود هستند

دو جوان خواهان پیگیری این پرونده هستند و پدر آنها بیژن فتاحی اخیراً نامه ای به بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال کرده، که

جمهوری اسلامی ایران روز سه شنبه ۱۷ ماه مه دو برادر محمد و عبدالله فتاحی ۲۸ و ۲۹ ساله را در زندان اصفهان اعدام کرد. خانواده این





زندانی آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای کارگران زندانی و همه فعالین سیاسی باید لغو شود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۱۲ خرداد ۱۳۹۰، ۲ ژوئن ۲۰۱۱

همه کارگران زندانی از زندان باز میکنند. با تمام قوا برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان تلاش کنیم. هم اکنون ابراهیم مددی، رضا شهابی، از کارگران شرکت واحد، رضا رخشان رئیس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک در زندان بسر میبرند. تمام کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از

چشم رنج میبرد. با وجودیکه کمیسیون پزشکی رژیم در گزارش خود رای بر آزادی منصور اسانلو داده بود و با وجودیکه سه رگ قلب او مسدود و دوبار در زندان دچار حمله قلبی شده بود، اما جانیان اسلامی وی را همچنان در زندان نگاهداشتند. اکنون منصور اسانلو زیر فشار کمپینی جهانی و پیگیری های خانواده اش به قید وثیقه از زندان آزاد شده است. آزادی منصور اسانلو یک موفقیت بزرگ است که راه را برای ادامه اعتراضات ما برای آزاد کردن

## منصور اسانلو از زندان آزاد شد

بنابر گزارش منتشر شده از سوی فدراسیون جهانی کارگران ترانسپورت "آی تی اف" امروز ۱۲ خرداد منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای واحد، از زندان آزاد شد. آزادی منصور اسانلو را به خانواده وی، به سندیکای شرکت واحد و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگوییم. منصور اسانلو در تیر ماه سال ۸۶ دستگیر و به جرم اعتصابات با

سایتیهای دولتی رژیم خبر داده اند که بیش از ۳۰۰ تن از کارگران پیمانکاری شرکت سیمان درود صبح روز ۴ خرداد مقابل این کارخانه دست به تجمع زدند و خواهان تبدیل وضعیت خود از پیمانکاری به قراردادی شدند. کارگران به اختلاف حقوق و مزایای خود با پرسنل رسمی و قراردادی اعتراض کردند و اعلام کردند که سخت ترین کارهای تولید بر دوش پرسنل پیمانکاری است در حالی که کمترین حقوق و مزایا را دریافت می کنند. کارگران خواهان برچیدن بساط شرکت های پیمانکاری

## کارگران سیمان درود خواهان برچیدن بساط پیمانکاران شدند

## اعتصاب کارگران کارخانه ریسندگی کاشان ادامه دارد

بنابه خبری که روز ۸ خرداد ماه منتشر شده است، بیش از ۱۱۰۰ کارگر کارخانه ریسندگی کاشان همچنان مقامات ریز و درشت دولتی و مدیریت کارخانه را برای رسیدگی به مطالباتشان تحت فشار قرار داده اند. کارگران که بیش از ۳۲ ماه است حقوق و دستمزدی دریافت نکرده اند، از ابتدای سال جاری چندین بار با تجمع در مقابل ادارات مختلف دولتی و روبروی درب کارخانه، خواهان پرداخت دستمزدهای خود شده اند. در پروسه مبارزه این دوره، ۷ تن از کارگران دست به اعتصاب غذا زدند که با درخواست همکاری خود، اعتصاب خود را شکستند. حزب کمونیست کارگری از اعتصاب و خواست بحق کارگران ریسندگی کاشان قاطعانه حمایت میکند و از همه کارگران و مردم این شهر، از خانواده های کارگران و هزاران کارگر دیگری که در این شهر با مشکل

و استخدام رسمی و مستقیم با کارفرمایان سیمان درود هستند. تقی حاجیوند قائم مقام شرکت سیمان درود گفته است: مدیریت شرکت در حال بررسی مطالبات کارگران است و تلاش خواهیم کرد در حد توان بخشی از تفاوت ها را برطرف کنیم اما کارگران به این وعده وعیدها کوچکترین اعتمادی ندارند و میگویند سال گذشته نیز دو بار مقابل این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدیم و مسئولین هربار وعده دادند که در آینده این مشکل مرتفع خواهد شد. بدنبال اعتصاب قدرتمند

کارگران پتروشیمی های ماهشهر برای برچیده شدن بساط پیمانکاران، شاهد گسترش این مبارزه به برخی دیگر از مراکز کارگری هستیم. حزب کمونیست کارگری از خواست بحق کارگران سیمان درود حمایت میکند و کارگران کلیه مراکز کارگری در سراسر کشور را فرامیخواند که برای برچیدن بساط پیمانکاران و عقد قرارداد رسمی با صاحبکاران به میدان بیایند. شرایط بیش از هر زمان برای بلند کردن پرچم این خواست و تحقق آن فراهم شده است. حزب کمونیست کارگری ایران ۵ خرداد ۱۳۹۰، ۲۶ مه ۲۰۱۱

به گزارش مندرج شده در سایت اتحاد (اتحادیه آزاد کارگران ایران) صبح روز ۱۰ خرداد کارگران کارخانه ساسان در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته های خود و اخراج نمایندگان دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند. بنا بر گزارش کارفرمای این کارخانه صبح این روز از ورود سه تن از نماینده های کارگران به نامهای حسین مرزبان، حسین الهیار و مهندس سعید رستمی به کارخانه جلوگیری کرد و به آنان اعلام نمود شما حق نداشتید به مدیریت کارخانه مراجعه کرده و خواسته های کارگران را مطرح کنید. این کارگران هر کدام ۱۸ سال سابقه کار دارند. طبق این خبر بدنبال واگذاری کارخانه ساسان به شخصی به نام یغماییان در آذر ماه ۸۸، این کارخانه در سال ۸۹ حدود ششصد نفر از کارگران قراردادی خود را اخراج

## اعتصاب و تجمع کارگران ساسان در محوطه کارخانه

### تجمع مجدد معلمان حق التدریسی مقابل مجلس

گذشته نیز بارها در همین رابطه تجمعات اعتراضی برپا کردند. بنا بر خبرها هم اکنون ۲۵۰۰۰ معلم استخدام موقت و بلا تکلیف در آموزش و پرورش کار میکنند.

جمعی از معلمان حق التدریس صبح روز ۸ خرداد در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. این معلمان خواهان روشن شدن وضع استخدام خود هستند و در سال در سال

کرد و از سال گذشته با تمام شدن دوره شورای کارخانه اجازه تشکیل شورا در این کارخانه را به کارگران نداد. در طول این مدت کارفرمای این کارخانه بدون پرداخت هزینه ایاب و ذهاب کارگران سرویسهای رفت و آمد آنان را قطع کرده است، همچنین ناهار کارگران را نیز بدون پرداخت هزینه ناهار به کارگران قطع نموده و در رابطه با پرداخت سنوات کارگرانی که بازنشسته می شوند فقط میزان حقوق آنان را مبنای پرداخت سنوات قرار داده است، این در حالی است که قبلاً سنوات کارگران بازنشسته با احتساب کل دریافتی کارگران محاسبه و پرداخت میشد.

گفتنی است که کارگران کارخانه ساسان در طول هفته های گذشته کارگران کارخانه ساسان با انتخاب نماینده هایی به مدیریت کارخانه مراجعه و طی مذاکراتی که در این مدت انجام گرفته بود خواسته های

خود را مطرح کردند. کارگران ساسان در حال حاضر در حال حاضر در بخش تولید این کارخانه فقط ۲۲۰ کارگر مشغول بکار هستند. کارگران ساسان مصرانه خواهان بازگشت بکار نماینده های اخراجی خود و تحقق مطالبات شان هستند.

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!